احکام جوانان

مطابق با فتاوای

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)


بسم الله الرحمن الرحیم

رساله احکام برای جوانان

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی (دام ظله)

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

رساله احکام برای جوانان ----- ۱۵

مشخصات کتاب ----- ۱۵

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشأن حضرت آیةاللّه العظمی مکارم شیرازی «دام ظله» ----- ۱۵

۱. آغاز پربرکت ----- ۱۵

۲. حیات علمی ----- ۱۵

۳. هجرت در جوانی ----- ۱۵

۴. رسم دیرینه حوزه ----- ۱۶

۵. رجعتی پس از هجرت ----- ۱۶

۶. حوزه‌ای دیگر درسی دیگر ----- ۱۶

۷. حیات سیاسی ----- ۱۶

۸. خدمات ارزنده معظم له ----- ۱۶

مقدّمه ----- ۱۶

اشاره ----- ۱۶

یادآوری ----- ۱۷

اجتهاد و تقلید ----- ۱۷

مقدّمه ----- ۱۷

فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب ----- ۱۸

طهارت ----- ۱۸

مقدّمه ----- ۱۸

احکام مُردار ----- ۱۸

احکام خون ----- ۱۸

چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟ ----- ۱۹

مُطهِّرات (پاک‌کننده‌ها) ----- ۱۹
اشاره ----- ۱۹
احکام آبها ----- ۱۹
اقسام آب مطلق ----- ۱۹
چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟ ----- ۲۰
زمین ----- ۲۰
آفتاب ----- ۲۰
اسلام ----- ۲۱
برطرف شدن عین نجاست ----- ۲۱
وضو ----- ۲۱
اشاره ----- ۲۱
چگونه وضو بگیریم؟ ----- ۲۱
توضیح اعمال وضو ----- ۲۱
شستن ----- ۲۱
مسح ----- ۲۱
شرایط وضو ----- ۲۲
توضیح شرایط وضو ----- ۲۲
احکام وضوی جبیره‌ای ----- ۲۳
چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت ----- ۲۴
چگونه وضو باطل می‌شود؟ ----- ۲۴
غسل ----- ۲۴
اشاره ----- ۲۴
شیوه غسل کردن ----- ۲۴
شرایط صحیح بودن غسل ----- ۲۵

غسلهای واجب ---- ۲۵
غسل جنابت ---- ۲۵
کارهایی که بر جنب حرام است ---- ۲۵
غسل میّت ---- ۲۶
غسل مسّ میّت ---- ۲۶
غسلهای اختصاصی دخترها و بانوان ---- ۲۶
غسل حیض (قاعدگی) ---- ۲۶
غسل استحاضه ---- ۲۶
غسل نفاس ---- ۲۶
تیمّم ---- ۲۷
اشاره ---- ۲۷
دستور تیمّم ---- ۲۷
چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است ---- ۲۷
احکام تیمّم ---- ۲۷
نماز ---- ۲۸
مقدّمه ---- ۲۸
اقسام نماز ---- ۲۸
وقت نمازهای روزانه ---- ۲۸
وقت اذان صبح ---- ۲۸
ظهر ---- ۲۸
مغرب ---- ۲۹
نیمه شب ---- ۲۹
احکام وقت نماز ---- ۲۹
قبله ---- ۲۹

پوشانیدن بدن در نماز ----- ۲۹
مکان نمازگزار ----- ۳۰
احکام مکان نمازگزار ----- ۳۰
احکام مسجد ----- ۳۰
آمادگی برای نماز ----- ۳۱
اذان و اقامه ----- ۳۱
اذان ----- ۳۱
اقامه ----- ۳۱
احکام اذان و اقامه ----- ۳۱
اعمال نماز ----- ۳۲
واجبات نماز ----- ۳۲
رکنهای نماز ----- ۳۲
فرق بین رُکن و غیر رُکن ----- ۳۲
احکام واجبات نماز ----- ۳۲
نیّت ----- ۳۲
تکبیرةالإحرام ----- ۳۲
قیام ----- ۳۲
قرائت ----- ۳۳
اشاره ----- ۳۳
سوره حمد ----- ۳۳
سوره توحید ----- ۳۳
تسبیحات اربعه ----- ۳۳
احکام قرائت ----- ۳۳
رکوع ----- ۳۴

سجود ----- ۳۴
وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند ----- ۳۴
سجده واجب قرآن ----- ۳۵
تشهّد ----- ۳۵
سلام ----- ۳۵
ترتیب ----- ۳۵
مُوالات ----- ۳۵
قنوت ----- ۳۵
تعقیب نماز ----- ۳۶
مُبطِلات نماز ----- ۳۶
اشاره ----- ۳۶
احکام مبطلات نماز ----- ۳۶
سخن گفتن ----- ۳۶
خندیدن و گریستن ----- ۳۶
روی از قبله برگرداندن ----- ۳۶
خوردن و آشامیدن ----- ۳۶
بر هم زدن صورت نماز ----- ۳۷
ترجمه اذان و اقامه ----- ۳۷
ترجمه نماز ----- ۳۷
شَکیّات نماز ----- ۳۸
مقدّمه ----- ۳۸
شک در کارهای نماز ----- ۳۸
شکهایی که نماز را باطل می‌کند ----- ۳۸
مسأله ۲۷۷- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد ----- ۳۹

نماز احتیاط ---------- ۳۹

سجده سهو ---------- ۳۹

نماز مسافر ---------- ۳۹

اشاره ---------- ۳۹

وطن کجاست؟ ---------- ۴۰

قصد ده روز ---------- ۴۰

نماز قضا ---------- ۴۱

اشاره ---------- ۴۱

نماز قضای پدر و مادر ---------- ۴۱

نماز جماعت ---------- ۴۱

مقدّمه ---------- ۴۱

اهمّیت نماز جماعت ---------- ۴۱

شرایط نماز جماعت ---------- ۴۲

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن) ---------- ۴۲

اشاره ---------- ۴۲

رکعت اوّل ---------- ۴۲

رکعت دوم ---------- ۴۲

رکعت سوم ---------- ۴۲

رکعت چهارم ---------- ۴۳

احکام نماز جماعت ---------- ۴۳

نماز جمعه ---------- ۴۳

مقدّمه ---------- ۴۳

چگونگی نماز جمعه ---------- ۴۳

شرایط نماز جمعه ---------- ۴۴

وظیفه نمازگزاران جمعه ----- ۴۴
نماز آیات ----- ۴۴
اشاره ----- ۴۴
چگونگی نماز آیات ----- ۴۴
اشاره ----- ۴۴
رکعت اوّل ----- ۴۴
رکعت دوم ----- ۴۵
احکام نماز آیات ----- ۴۵
نمازهای مستحب «۱» ----- ۴۵
اشاره ----- ۴۵
نماز عید ----- ۴۵
وقت نماز عید ----- ۴۵
چگونگی نماز عید ----- ۴۵
نافله‌های شبانه‌روزی ----- ۴۶
نماز شب ----- ۴۶
وقت نماز شب ----- ۴۶
نماز غُفیلَه ----- ۴۶
کیفیّت نماز غفیله ----- ۴۶
روزه ----- ۴۶
مقدّمه ----- ۴۶
نیّت روزه ----- ۴۷
مُبطلات روزه ----- ۴۷
احکام مُبطلات روزه ----- ۴۷
خوردن و آشامیدن ----- ۴۷

تزریق آمپول ---------- ۴۷

رساندن غبار غلیظ به حلق ---------- ۴۷

فرو بردن تمام سر در آب ---------- ۴۷

قی کردن ---------- ۴۸

قضا و کفّاره روزه ---------- ۴۸

قضای روزه ---------- ۴۸

کفّاره روزه ---------- ۴۸

احکام قضا و کفّاره روزه ---------- ۴۸

روزه مسافر ---------- ۴۸

زکاتِ فطره ---------- ۴۹

مقدار زکات فطره ---------- ۴۹

جنس زکات فطره ---------- ۴۹

خُمس ---------- ۴۹

اشاره ---------- ۴۹

احکام خمس ---------- ۴۹

مصرف خمس ---------- ۵۰

زکات ---------- ۵۰

مقدّمه ---------- ۵۰

احکام زکات ---------- ۵۰

مصرف زکات ---------- ۵۱

احکام خرید و فروش ---------- ۵۱

اشاره ---------- ۵۱

بهم زدن معامله (فسخ) ---------- ۵۱

قَرض ---------- ۵۱

اشاره ----- ۵۲
اقسام قرض ----- ۵۲
احکام قرض ----- ۵۲
امانتداری ----- ۵۲
مقدّمه ----- ۵۲
احکام امانتداری ----- ۵۲
عاریه ----- ۵۳
مقدّمه ----- ۵۳
اشیای گمشده ----- ۵۳
اشاره ----- ۵۳
عوض شدن کفش ----- ۵۳
غَصب ----- ۵۳
مقدّمه ----- ۵۳
خوردن و آشامیدن ----- ۵۴
مقدّمه ----- ۵۴
آداب غذا خوردن ----- ۵۴
آدابِ آب نوشیدن ----- ۵۴
احکام سر بریدن حیوان ----- ۵۵
اشاره ----- ۵۵
شرایط سر بریدن حیوان ----- ۵۵
شکار با اسلحه ----- ۵۵
صید ماهی ----- ۵۵
احکام ازدواج ----- ۵۵
نگاه کردن ----- ۵۵

مَحْرَم و نامَحرم ----- ۵۶
نگاه به دیگران ----- ۵۶
ازدواج ----- ۵۶
احکام سلام کردن ----- ۵۶
اشاره ----- ۵۶
آداب سلام کردن ----- ۵۷
احکام قرآن ----- ۵۷
اشاره ----- ۵۷
لَمس کردن خطوط قرآن ----- ۵۷
قسم خوردن ----- ۵۷
مسائل متفرّقه ----- ۵۸
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۵۹

رساله احکام برای جوانان

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ - عنوان و نام پدیدآور : رساله احکام برای جوانان / مطابق با فتاوای مکارم‌شیرازی. مشخصات نشر : قم: مدرسه‌الامام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام ۱۳۸۵ مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص : جدول. شابک : ۸۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۶۶۳۲-۶۵-۳ ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ دوازدهم ؛ ۸۰۰۰ ریال چاپ چهاردهم: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳-۲۶۵-۳ ؛ ۷۰۰۰ ریال(چاپ نهم) یادداشت : احکام کتاب حاضر از رساله مولف استخراج شده است. یادداشت : چاپ‌های قبلی این کتاب با عنوان " رساله احکام (برای نوجوانان")منتشر شده است. یادداشت : چاپ دهم. یادداشت : چاپ دوازدهم: ۱۳۸۵. یادداشت : چاپ چهاردهم: ۱۳۸۶. یادداشت : چاپ شانزدهم: ۱۳۸۷. یادداشت : چاپ نهم: ۱۳۸۴. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر : رساله احکام (برای نوجوانان). موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات نوجوانان رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/م۷ر۷۰۱۶۷ ۵۰۱۶۷ ۱۳۸۵ب رده بندی دیویی : [ج]۲۹۷/۳۴۲۲ شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۳۶۰۹۴

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشأن حضرت آیهٔاللّه العظمی مکارم شیرازی «دام ظله»

۱. آغاز پربرکت

حضرت آیهٔالله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضائل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲. حیات علمی

با اینکه هیچ یک از افراد خانواده معظم‌له در کسوت روحانیّت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظم‌له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا باباخان شیراز» آغاز کرد و در مدّت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجّه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به احکام جوانان، ص: ۶ خاطر نبوغ فوق‌العاده‌ای که داشت. مجموع دروس مقدّماتی و سطح متوسط و عالی را در مدّتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیّه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت، و گاه در یک روز- علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند- هشت جلسه تدریس داشت! ایشان در ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیّه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیهٔالله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

۳. هجرت در جوانی

معظم‌له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ ه ق وارد حوزه علمیّه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم و آقای خوئی و آقای سیّد عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر- قدس الله اسرارهم- شرکت جستند.

۴. رسم دیرینه حوزه

معظم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵. رجعتی پس از هجرت

معظم‌له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدّس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوی گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد.

۶. حوزه‌ای دیگر درسی دیگر

حضرت آیةالله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۰ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهم فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیّت‌ترین دروس حوزه‌های علمیّه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلای عالیقدر از محضر ایشان استفاده می کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

۷. حیات سیاسی

معظم‌له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین احکام جوانان، ص: ۸ دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند در تدوین قانون اساسی در خبرگان اوّل نیز نقش مؤثّری داشتند.

۸. خدمات ارزنده معظم له

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزه علمیّه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید. معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیّه قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی‌سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار- در میان مجلّات علمی و دینی- در تمام جهان اسلام، جزء درجه اوّلها بود. از ایشان بیش از یکصد جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی‌بار تجدید چاپ گردیده است.

مقدّمه

اشاره

دستورهای عملی اسلام، که وظیفه انسانها را، نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند مشخّص می کند، «احکام» نام دارد. هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصّی است، احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخّص می کند پنج قسم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مُباح. واجب؛ کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترک آن

عذاب دارد؛ مانند نماز، روزه و .... حرام؛ کاری است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ، ظلم و .... مستحب؛ به کاری گویند که انجامش نیکوست و ثواب دارد؛ ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن. مکروه؛ کاری است که ترک آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد؛ ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند فوت کردن به غذا و خوردن احکام جوانان، ص: ۱۰ غذای داغ. مباح؛ به کاری گویند که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن. در این رساله سعی شده است احکام واجب و حرام و غیر آن، که برای غالب جوانان و نوجوانان مطرح است، به زبان ساده و روشن و دور از اصطلاحات پیچیده فقهی ذکر گردد، تا همه جوانان و نوجوانان عزیز، که امیدهای امروز و آینده اجتماع ما هستند، بتوانند با مطالعه آن به وظایف دینی خود آشنا شوند و آن را به کار بندند. موفّقیّت همه این عزیزان را در انجام تکالیف دینی خود از خداوند بزرگ خواهانیم.

یادآوری

آنچه در این کتاب آمده است، تمام مسائل احکام نیست، بلکه بسیاری از قسمتهای احکام که در درجه اوّل نیاز نوجوانان و جوانان نبوده، در این رساله آورده نشده که در صورت نیاز می‌توانند به رساله توضیح‌المسائل مراجعه کنند.

اجتهاد و تقلید

مقدّمه

انسان می‌تواند از روی «اجتهاد» یا «تقلید» به احکام دین عمل کند. «اجتهاد» سعی و تلاش در راه استخراج احکام دین از منابع آن است، که مهمترین آنها قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام می‌باشد، و این کار تنها برای کسانی میسّر است که علوم مختلف اسلامی را فراگیرند تا قدرت بر اجتهاد پیدا کنند و به کسی که دارای چنین توانایی علمی باشد «مُجتهد» می‌گویند. «تقلید» به معنای پیروی و دنباله روی است و در اینجا به معنای پیروی از «مجتهد» می‌باشد؛ یعنی انسان کارهای خود را مطابق با فتوای مجتهد انجام دهد. مسأله ۱- به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند «مَرجع تقلید» و به کسی که از مجتهد تقلید می‌کند «مُقَلِّد» می‌گویند. مسأله ۲- کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن بدست آورد، باید از مجتهد تقلید احکام جوانان، ص: ۱۲ کند؛ یعنی کارهای خود را مطابق با فتوای او انجام دهد. مسأله ۳- وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند. مسأله ۴- مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید: * عادل باشد. * زنده باشد. * مرد باشد. * بالغ باشد. * شیعه دوازده‌امامی باشد. * و در مسایل اختلافی اعلم باشد. مسأله ۵- کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود در مسایلی که به فتوای او عمل کرده می‌تواند به تقلید او باقی بماند. مسأله ۶- اعلم کسی است که در استخراج احکام (از منابع آن) از مجتهدان دیگر استادتر باشد. مسأله ۷- مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت: * خود انسان یقین کند؛ مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. * گواهی دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند؛ به شرط آن که دو نفر عالِم عادلِ دیگر با گفته احکام جوانان، ص: ۱۳ آنان مخالفت نکنند. * عدّه‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند. مسأله ۸- راههای بدست آوردن فتوای مجتهد: * شنیدن از خود مجتهد. * شنیدن از دو نفر عادل. * شنیدن از یک نفر مورد اعتماد که از گفته او اطمینان پیدا می‌شود. * دیدن در رساله مجتهد که درستی آن مورد اطمینان باشد. مسأله ۹- اگر فتوای مجتهد در مسأله‌ای عوض شود، مقلّد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای قبلی جایز نیست.

مسأله ۱۰- مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسأله ۱۱- «احتیـاط مسـتحب» همیشه همراه بـا فتواست؛ یعنی مجتهـد در آن مسأله، علاوه بر اظهار نظر، راه احتیاط را هم نشان داده است و مقلّد می‌توانـد در آن مسـأله، به فتوا و یـا به احکام جوانان، ص: ۱۴ احتیاط عمل کنـد و نمی‌توانـد به مجتهد دیگری رجوع کنـد؛ ماننـد ایـن مسـأله: «ظرف نجس را اگر یـک مرتبـه در آب کُر بشوینـد پـاک می‌شـود، هرچنـد احتیـاط آن است که سه مرتبه بشویند». «احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلّد باید به همان احتیاط عمل کند و می‌تواند به فتوای مجتهد دیگر مراجعه کند، مانند این مسأله: «احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد، سجده نکنند».

طهارت

مقدّمه

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمّیّت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن و لباسـش برای «نماز» که بهترین شـیوه پرسـتش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شـناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است. مسأله ۱۲- در عالَم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود. مسأله ۱۳- چیزهای نجس عبارت است از: ۱. ادرار ۲. مدفوع ۳. مَنی ۴. مُردار (حیوانی که بطور طبیعی بمیرد). ۵. خون احکام جوانان، ص: ۱۶ ۶ و ۷. سگ و خوک ۸. شراب ۹. آبجو ۱۰. کافر ۱۱. عرق شتر نجاستخوار مسأله ۱۴- ادرار و مـدفوع و خون انسان و حیوانهای حرام‌گوشت که خون جهنـده دارنـد (یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن به سرعت جـاری می‌شود) نجس است. مسـأله ۱۵- ادرار و مـدفوع حیوانهـای حلال‌گوشت، ماننـد گاو و گوسـفند و ادرار و مـدفوع و خون حیوانهـایی که خون جهنـده ندارنـد؛ ماننـد مـار و مـاهی، پاک است. مسأله ۱۶- بـول و فضولاـت حیوانهـایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می‌باشد؛ مانند اسب و الاغ. مسأله ۱۷- فضله پرندگان حرام‌گوشت؛ مانند کلاغ، پاک است.

احکام مُردار

مسأله ۱۸- به حیوانی که بطور طبیعی بمیرد «مُردار» گفته می‌شود. مسـأله ۱۹- حیوانها دو دسته‌اند، برخی خون جهنده دارند؛ احکام جوانان، ص: ۱۷ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن بیرون می‌آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریـده شود، خون با فشار بیرون نمی‌آید. مسأله ۲۰- مردار حیوانی که خون جهنـده نـدارد؛ مانند ماهی، پاک است. مسأله ۲۱- اجزای بی‌روح مردار حیـوانی که خـون جهنـده دارد؛ ماننـد مـو و شـاخِ بیرونی، پـاک و اجزای روح‌دارش؛ ماننـد گوشت و پوست، نجس است. مسأله ۲۲- تمام اجزای بـدن سگ و خوک؛ چه مرده و چه زنده آن نجس است. مسأله ۲۳- انسان مرده هرچند تازه از دنیا رفته و بـدنش سـرد نشـده باشـد (بجز اجزای بی‌روح او؛ ماننـد ناخن، مو و دندان) تمام بدنش نجس می‌باشد. مسأله ۲۴- هرگاه میّت را غسل دهند، بدنش پاک می‌شود. مسأله ۲۵- کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می‌جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همانجا از دنیا برود بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

احکام خون

مسأله ۲۶- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ احکام جوانان، ص: ۱۸ مانند مرغ و گوسفند، نجس است. مسأله ۲۷- حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند مار، ماهی و پشه، خونش پاک است. مسأله ۲۸- بنابر احتیاط واجب، از تخم‌مرغی که ذرّه‌ای خون در آن است باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده تخم‌مرغ پاک می‌باشد. مسأله ۲۹- خونی که از لای دندان (لثه) می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.

چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟

مسأله ۳۰- اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه‌ای‌تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود. مسأله ۳۱- اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده است یا نه؟ پاک است. جستجو و وارسی هم لازم نیست، هرچند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را با جستجو بفهمد. مسأله ۳۲- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مُطهِّرات (پاک‌کننده‌ها)

اشاره

مسأله ۳۳- مطهّرات، اشیای نجس را پاک می‌کند. عمده پاک کننده‌ها عبارتند از: ۱. آب. ۲. زمین. ۳. آفتاب. ۴. اسلام. ۵. برطرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد).

احکام آبها

آب اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتنِ مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند. مسأله ۳۴- آب یا «مضاف» است یا «مطلق»: آب مضاف: آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن «آب» گفته نشود؛ مانند شربت. احکام جوانان، ص: ۲۰ آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد. مسأله ۳۵- آب مضاف: * ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند؛ ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند (و از مطهّرات نمی‌باشد). * اگر با نجاست برخورد کند، نجس می‌شود؛ هرچند نجاست کم باشد و بو یا رنگ و یا مزه آب عوض نشود. * وضو و غسل با آن باطل است.

اقسام آب مطلق

مسأله ۳۶- آب یا از آسمان می‌بارد که باران است. - یا از زمین می‌جوشد، که اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است. یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد که اگر به مقداری که در مسأله بعد خواهد آمد، باشد «کُر» واگر کمتر از این مقدار باشد «قلیل» است. مسأله ۳۷- مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک حدّاقل ۳/۵ وجب باشد بریزند پر شود، یا وزن آن ۳۸۴ کیلوگرم باشد، به مقدار کُر است. مسأله ۳۸- آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می‌شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این احکام جوانان، ص: ۲۱ صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده نجس می‌شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا- بر چیز نجس ریخته می‌شود، تنها آبهایی که به چیز نجس رسیده نجس می‌شود و آبهای بالا و داخل ظرف پاک است. مسأله ۳۹- اگر آب کر یا جاری، به آب قلیلِ نجس متّصل شود و با آن مخلوط گردد، پاک می‌گردد. (مثلًا: اگر ظرف آب قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متّصل می‌باشد

بگذارند و آب را بر آن باز کنند پاک می‌شود) ولی اگر بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یـا رنـگ یـا مزه نجاست از بین برود. مسأله ۴۰- تمـام اقسـام آبهـای مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاسـت نگرفته باشـد، پـاک است و هرگـاه بر اثر برخورد بـا نجـاست، بو یـا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود (بنابراین، آب جاری، چاه، کُر و حتّی باران در این حکم مشترکند). مسأله ۴۱- آب لوله‌هایی که متّصل به منبع کُر می‌باشد، در حکمِ آبِ کر است. مسأله ۴۲- برخی از خصوصیّات آب بـاران: احکام جوانان، ص: ۲۲ * اگر بـاران بر چیز نجسـی که عینِ نجس «۱» در آن نیست، یک‌بار ببـارد پاک می‌شود. * اگر بر فرش و لباسِ نجس ببارد فشار لازم نـدارد و پاک می‌شود؛ به شـرط این که غُساله آن (آب موجود در آن) خارج شود. * اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود. * هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از کُر باشد، چنانچه چیز نجسـی را در حـالی که بـاران همچنـان می‌بـارد، در آن بشوینـد، تـا زمـانی که آن آب، بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است.

چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

مسأله ۴۳- برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتـدا بایـد نجاست را برطرف کرده، سـپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید. مسأله ۴۴- ظرف نجس را، بعـد از برطرف کردن نجاست، اگر احکام جوانان، ص: ۲۳ یـک مرتبه در آب کر یا آب لوله‌کشـی بشویند کافی است؛ ولی با آب قلیل سه مرتبه باید شست. مسأله ۴۵- ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید: با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند. با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را بطوری در آن بگرداننـد که به جاهای نجس برسـد و بیرون بریزند. مسأله ۴۶- فرش و لباس و چیزهاییماننـد آن، که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشار دادن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کننـد، بایـد بعد از هر بار شسـتن، آن را فشار دهنـد تا آبهای داخل آن بیرون آیـد و یا به گونه‌ای دیگر آبِ آن گرفته شود؛ ولی در آب کُر و جاری فشار دادن لازم نیست. به شرط این که آن را طوری در آب تکان دهند که آب از آن بگذرد.

زمین

مسأله ۴۷- اگر کف پـا یـا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیـدن پا به زمین پاک می‌شود؛ به شـرط آن که عین نجاست از آن محل برطرف شود. و زمین باید: * پاک باشد. * خشک باشد. * خاک، شن، سـنگ، آجر فرش آسفالت و مانند اینها باشـد. احکام جوانان، ص: ۲۴ مسأله ۴۸- اگر بر اثر راه رفتن یـا مالیـدن پـا بر زمین، نجـاستِ تهِ کفش یا کفِ پا برطرف شود، پاک می‌گردد، ولی بهتر است حدّاقل پانزده قدم راه برود.

آفتاب

مسأله ۴۹- آفتاب (با شـرایطی که خواهد آمد) زمین و پشت‌بام را پاک می‌کند؛ ولی پاک کردن ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است، مانند در و پنجره، محلّ اشکال است. مسأله ۵۰- آفتاب زمین و پشت بام را با این شرایط پاک می‌کند: * چیز نجس، تر باشـد، به قـدری که اگر چیزی به آن برسـد، تر شود. * بـا تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود، اگر مرطوب بمانـد، پاک نشـده است. * چیزی؛ ماننـد ابر یـا پرده، مانع تابش آفتاب نباشـد، مگر آن‌که نازک باشـد و از تابش آفتاب جلوگیری نکنـد. * آفتاب، به تنهـایی آن را خشـک کنـد؛ مثلًا به کمک باد خشک نشود. * هنگام تابش آفتاب، نجاست در آن نباشـد، پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند. احکام جوانان، ص: ۲۵ مسأله ۵۱- اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد،

می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن بشود، بر آن ریخت تا آفتاب بر آن بتابد و آن را پاک کند.

اسلام

مسأله ۵۲- غیرمسلمان نجس است (بنابراحتیاط) و اگر شهادتین را بگوید، مسلمان می‌شود؛ یعنی بگوید: «اشْهَدُ انْ لا اله إلَّا اللَّه، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه» و با اسلام، پاک می گردد.

برطرف شدن عین نجاست

مسأله ۵۳- در دو مورد، با برطرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد. الف) بدن حیوان، مثلًا منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش برطرف شود پاک است. ب) باطن بدن، مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلًا اگر هنگام مسواک کردن، از لثه‌ها خون بیاید و خون برطرف شود، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست. ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد به احتیاط واجب، نجس می‌شود هرچند داخل دهان باشد.

وضو

اشاره

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند. در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن «تیمّم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

چگونه وضو بگیریم؟

مسأله ۵۴- برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آنگاه با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر پای چپ را مسح نماید.

توضیح اعمال وضو

شستن

مسأله ۵۵- در وضو انسان باید ابتدا صورت را، از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آن که یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بر آن بیفزاید. مسأله ۵۶- بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید. مسأله ۵۷- برای آن که یقین کند آرنج را کاملًا شسته باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید. مسأله ۵۸- کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، هنگام وضو بایدتا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

مسح

مسأله ۵۹- جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (جلوی سر) می‌باشد. مسأله ۶۰- مسح سر، به هر مقدار کافی است. مسأله ۶۱- مستحب است سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح کند. مسأله ۶۲- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر احکام جوانان، ص: ۲۸ موی جلوی سر هم صحیح است، مگر این که موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت بایـد، پوست سر یا بیخ مو را مسح کند. مسأله ۶۳- پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقیمانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل (جایی که متّصل به ساق پا می‌شود) را نیز مسح کند. مسأله ۶۴- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگهدارد، و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد. مسأله ۶۵- اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند؛ بلکه باید از اعضای دیگرِ وضو؛ مثلًا صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند. مسأله ۶۶- رطوبت دست باید بقدری باشد که هنگام مسح بر سر و پا اثر بگـذارد. مسأله ۶۷- محلّ مسح (سر و روی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد؛ ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن احکام جوانان، ص: ۲۹ نباشد اشکالی ندارد. مسأله ۶۸- روی کلاه یا جوراب نمی‌توان مسح کرد. مسأله ۶۹- محلّ مسح بایـد پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمّم کند.

شرایط وضو

مسأله ۷۰- با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتّی یکی از آنها وضو باطل است: ۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد). ۲. آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد (غصبی نباشـد). ۳. آب وضو مطلق باشـد (مضاف نباشد). ۴. ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد). ۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که خواهد آمد). ۶. اعضای وضو پاک باشد. ۷. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد. ۸. با قصـد قربت و بدون ریا وضو بگیرد. ۹. رعایت ترتیب (به همان صورت که قبلًا گفته شد). ۱۰. رعایت مُوالات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد). ۱۱. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد. (به شرحی که احکام جوانان، ص: ۳۰ خواهد آمد). ۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد. ۱۳. برای وضو گرفتن وقت داشته باشد.

توضیح شرایط وضو

مسأله ۷۱- وضو با آب نجس و مضاف باطل است؛ خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد. مسأله ۷۲- آب وضو بایـد مباح باشـد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است: * وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضـی نیست (راضـی نبودن او معلوم است). * آبی که معلوم نیست صاحب آن راضـی است یا نه. * آبی که وقف افراد خاصّی است، برای غیر آن افراد؛ ماننـد آب برخی از مـدارس که وقف محصّلین همـان مـدرسه است و وضوخـانه مساجـد، که وقف کسـانی است که در آنجـا نماز می‌خوانند. مسأله ۷۳- وضو گرفتن از نهرها و چشـمه‌ها، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضـی هسـتند یا نه اشـکال ندارد، امّا اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کننـد، احتیاط واجب آن احکام جوانان، ص: ۳۱ است که با آن آبها وضو نگیرد. مسأله ۷۴- اگر آب در ظرف غصبی باشـد و آب دیگری نباشـد باید تیمّم کرد. مسأله ۷۵- اعضای وضو؛ یعنی صورت، دسـتها و پاها در موقع شسـتن و مسح باید پاک باشد. مسأله ۷۶- اگر چیزی بر صورت یا دسـتها باشد که از رسـیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود. مسأله ۷۷- اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هرچند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید برطرف شود؛ چون بین دست و محلّ مسح نباید چیزی فاصله شود. مسأله ۷۸- خطّ قلم خودکار و لکّه‌های رنگ و چربی و کِرِمْ، در

صورتی که رنگ بدونِ جِرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جِرم دارد و روی پوست را گرفته باشد باید برطرف شود. ولی رنگ خودکار معمولاً مانع رسیدن آب نیست. مسأله ۷۹- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده، ولی نمی‌داند که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند، یا آب را به زیر آن برساند. مسأله ۸۰- کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود: اوّل صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح کند، و نباید پای چپ را پیش از پای احکام جوانان، ص: ۳۲ راست مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است. مسأله ۸۱- موالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو. مسأله ۸۲- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که مردم بگویند پشت سر هم وضو نمی‌گیرد وضوی او باطل است. مسأله ۸۳- کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد وضو باطل است؛ ولی اگر آب کف دست او بریزد و خودش صورت و دستها را بشوید مانعی ندارد. مسأله ۸۴- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیّت وضو کند. مسأله ۸۵- کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود و یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمّم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است. مسأله ۸۶- وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و لازم نیست نیّت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند احکام جوانان، ص: ۳۳ وضو می‌گیرد کافی است، بطوری که اگر از او بپرسند، چه می‌کنی؟ بگوید وضو می‌گیرم. مسأله ۸۷- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر انسان بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کند. لکن اگر برای وضو و تیمّم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

احکام وضوی جبیره‌ای

چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می‌بندند و دوایی که روی آن می‌گذارند «جبیره» نامیده می‌شود. مسأله ۸۸- هرگاه در یکی از جاهای وضو زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و خون ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد باید مطابق معمول، وضو بگیرد. مسأله ۸۹- هرگاه زخم یا دُمَل یا شکستگی در صورت و دستهاست و روی آن باز می‌باشد؛ امّا آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دستِ تر بر آن ضرر ندارد باید دستِ تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاکی روی آن بگذارد و دستِ تر روی آن بکشد. مسأله ۹۰- هرگاه زخم یا دمل و شکستگی در محلّ مسح احکام جوانان، ص: ۳۴ باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با رطوبت آب وضو مسح کند و بنابر احتیاط واجب، تیمّم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید وضوی بدون مسح بگیرد و بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بکند. مسأله ۹۱- هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقّت زیادی ندارد و آب هم برای آن مضر نیست، باید آن را باز کند و وضو بگیرد، در غیر این صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره، نجس است یا نمی‌شود روی آن دستِ تر بکشد، پارچه پاکی را بر آن ببندد و دستِ تر روی آن بکشد. مسأله ۹۲- هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها را گرفته باشد، باید بنا بر احتیاط هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمّم کند، همچنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد. مسأله ۹۳- کسی که در کف دست و انگشتهایش جبیره دارد و در موقع وضو دستِ تر روی آن کشیده، می‌تواند مسح سر و پا را با همان رطوبت انجام دهد و اگر کافی نباشد، از جاهای دیگر وضو رطوبت می‌گیرد. مسأله ۹۴- هرگاه جبیره بیشتر از معمول، اطراف زخم را احکام جوانان، ص: ۳۵ گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا

بر احتیاط مستحب، تیمّم هم بنمایـد و اگر برداشـتن جبیره اضافی ممکن است بایـد آن را بردارد. مسأله ۹۵- هرگاه در جای وضو، زخم و جراحت و شکستگی وجود ندارد، امّا به جهت دیگری آب برای آن ضـرر دارد، باید تیمّم کند، ولی اگر فقط برای مقداری از دست و صورت ضـرر دارد، چنـانچه اطراف آن را بشویـد کـافی است و احتیـاط آن است که تیمّم هم بکنـد. مسأله ۹۶- اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده که برداشـتن آن ممکن نیست، یا بسـیار مشـقّت دارد باید به دسـتور جبیره عمل کند، یعنی اطراف آن را بشویـد و روی آن را دست بکشـد. مسـأله ۹۷- غسـل جبیره‌ای مثـل وضوی جبیره‌ای است، ولی تـا ممکن است بایـد غسل را ترتیبی بجـا آورد، بنـا بر احتیـاط واجب. مسأله ۹۸- کسـی کـه وظیفـه او تیمّـم است، هرگـاه در اعضـای تیمّم او زخم، یـا دُمَـل، یا شکسـتگی باشد باید مطابق دسـتور وضوی جبیره‌ای تیمّم جبیره‌ای کند. مسأله ۹۹- کسـی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است، چنانچه می‌دانـد تا آخر وقت عـذر او برطرف نمی‌شود می‌تواند احکام جوانان، ص: ۳۶ در اوّل وقت نماز بخوانـد، امّا اگر امید دارد که تا آخر وقت عـذر او برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کنـد. مسأله ۱۰۰- اگر بخاطر درد چشم شسـتن صورت ضرر دارد بایـد تیمّم کنـد و اگر می‌توانـد اطراف چشم و بقیّه صورت را بشوید کافی است. مسأله ۱۰۱- نمازهایی را که با وضو یا غسـل جبیره‌ای می‌خواننـد اعـاده نـدارد، مگر این که قبل از پایان وقت نماز، عـذر برطرف شود، در اینجا بنابر احتیاط واجب، نماز را اعاده کنند.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسأله ۱۰۲- انسان بایـد برای نماز (بجز نماز میّت) و برای طواف کعبه و برای تماسّ بدن با نوشـته قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد. مسأله ۱۰۳- اگر نمـاز یا طواف، بـدون وضو انجام شود باطل است. مسأله ۱۰۴- کسـی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند: * خطّ قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد. * اسم خداوند به هر زبانی که نوشته شده باشد، مانند «اللّه»، «خدا»، «god». احکام جوانان، ص: ۳۷ * نام پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و اسامی امامان علیهم السـلام و نام حضرت زهرا علیها السلام اگر بی‌احترامی به آنها باشـد. مسأله ۱۰۵- برای این کارها وضو گرفتن مستحب است: * رفتن به مسـجد و حرم امامان علیهم السلام * خواندن قرآن. * همراه داشتن قرآن. * تماسّ بدن با جلد یا حاشیه قرآن. * زیارت اهل قبور.

چگونه وضو باطل می‌شود؟

مسأله ۱۰۶- اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند وضو باطل می‌شود: * خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان. * خواب؛ چنـانچه گوش نشـنود و چشم نبینـد. * چیزهـایی که عقـل را از بین می‌برد؛ماننـد دیوانگی، مستی، بیهوشـی. (بنـا بر احتیاط واجب). * استحاضه زنان. «۱» * آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت ومَسّ میّت و مانند آن.

غسل

اشاره

گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می‌شود.

شیوه غسل کردن

مسأله ۱۰۷- در غسل بایـد تمام بـدن و سـر و گردن شسـته شود، خواه غسل واجب باشـد؛ ماننـد جنابت، و یا مسـتحب، مانند غسـل

جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسلها در عمل فرقی ندارند مگر در نیّت. مسأله ۱۰۸- غسل را به دو صورت می‌توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی». در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، سپس نیمه راست و بعد از آن نیمه چپ بدن. در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می‌گیرد. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را یکجا در آب فرو ببرد.

شرایط صحیح بودن غسل

مسأله ۱۰۹- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، «۱» در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. و همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید. مسأله ۱۱۰- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیّت همه آنها یک غسل بجا آورد. و اگر تنها یکی از آنها بخاطرش باشد و برای آن غسل کند بقیّه از او ساقط می‌شود هرچند نیّت نکرده باشد. مسأله ۱۱۱- هر غسل واجب و مستحب، کفایت از وضو می‌کند ولی احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد. مسأله ۱۱۲- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادنِ همان قسمت، آب بکشد کافی است. مسأله ۱۱۳- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است. «۲» مسأله ۱۱۴- کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را احکام جوانان، ص: ۴۰ در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند. صحیح است. مسأله ۱۱۵- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیّت غسل، هرطور آب را به تمام بدن برساند کافی است.

غسلهای واجب

مسأله ۱۱۶- غسلهای واجب هفت‌تاست: * جنابت* میّت* مسّ میّت* حیض* استحاضه* نفاس* و غسل مستحبّی که به سبب نذر واجب می‌شود.

غسل جنابت

مسأله ۱۱۷- اگر از انسان مَنی «۱» بیرون آید، هرچند در خواب باشد، جُنُب می‌شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد. مسأله ۱۱۸- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی‌شود. مسأله ۱۱۹- کسی که می‌داند منی از او خارج شده است و یا احکام جوانان، ص: ۴۱ می‌داند آنچه بیرون آمده منی می‌باشد، جنب است و باید غسل کند. مسأله ۱۲۰- اگر از انسان رطوبتی خارج شود که نداند بول است یا منی یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده، آن رطوبت منی است، ولی اگر تمام این نشانه‌ها یا برخی از آنها وجود نداشته باشد آن رطوبت منی نمی‌باشد، ولی نسبت به زن و مریض وجود یک نشانه؛ یعنی بیرون آمدن در اوج شهوت، کافی است. مسأله ۱۲۱- مستحبّ است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبتِ دیگر، دوباره باید غسل کند.

کارهایی که بر جنب حرام است

مسأله ۱۲۲- چند کار بر جنب حرام است: الف) رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب اسامی پیامبران و امامان علیهم السلام. ب) رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله هرچند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود. ج) توقّف در سایر مساجد و حرم امامان علیهم السلام؛ ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای

برداشتن چیزی برود احکام جوانان، ص: ۴۲ مانعی ندارد؛ امّا هنگامی که جنب غسل کند و یا در صورت عدم توانایی بر غسل، تیمّم کند، تمام این امور بر او حلال می‌شود. د) خواندن آیه‌های سجده واجب که در چهار سوره قرآن آمده است: سجده فُصِّلت نَجم عَلَق مسأله ۱۲۳- اگر شخصی در خانه‌اش مکانی را برای نماز قرار دهد (و همچنین در مؤسّسه یا اداره‌ای) حکم مسجد ندارد. مسأله ۱۲۴- توقّف در حرم امامزاده‌ها در حال جنابت اشکال ندارد؛ ولی توقّف در مساجدی که کنار حرم‌ها ساخته‌اند، حرام است.

غسل میّت

مسأله ۱۲۵- هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند. «۱»

غسل مسّ میّت

مسأله ۱۲۶- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مسِّ میّت کند.

غسلهای اختصاصی دخترها و بانوان

مسأله ۱۲۷- سه غسل از غسلهای واجب؛ یعنی غسل حیض، استحاضه و نفاس، تنها بر دخترها و بانوان واجب می‌شود و سبب این غسلها خونی است که از رحم بیرون می‌آید و هر یک احکام خاصّی دارد.

غسل حیض (قاعدگی)

مسأله ۱۲۸- زمانی که خونریزی قاعدگی (رگل) قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند. مسأله ۱۲۹- خونریزی قاعدگی قبل از بلوغ اتّفاق نمی‌افتد. مسأله ۱۳۰- دوره قاعدگی کمتر از سه روز مستمر نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض را ندارد. مسأله ۱۳۱- دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض را ندارد. مسأله ۱۳۲- خون حیض معمولًا غلیظ، گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می‌آید. مسأله ۱۳۳- در مدّت قاعدگی این کارها بر زن حرام است. نماز و طواف کعبه. احکام جوانان، ص: ۴۴ کارهایی که بر جنب حرام است، مانند توقّف در مسجد «۱» مسأله ۱۳۴- در ایّام قاعدگی نماز و روزه واجب نیست و نمازها قضا ندارد؛ ولی قضای روزه‌ها را باید بجا آورد. مسأله ۱۳۵- غسل حیض با جنابت فرقی ندارد؛ مگر در نیّت. مسأله ۱۳۶- با غسل حیض به تنهایی می‌توان نماز خواند، و احتیاج به وضو نیست.

غسل استحاضه

مسأله ۱۳۷- یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات از رحم بیرون می‌آید «استحاضه» است. مسأله ۱۳۸- خون استحاضه معمولًا زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ نیست، ولی گاهی ممکن است شباهتی با خون حیض داشته باشد. مسأله ۱۳۹- خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن به دو دسته تقسیم می‌شود، که اگر کم باشد، غسل ندارد ولی وضو را باطل می‌کند و اگر زیاد باشد فقط غسل واجب می‌شود. برای احکام جوانان، ص: ۴۵ توضیح بیشتر به رساله توضیح‌المسائل ما مراجعه کنید.

غسل نفاس

مسأله ۱۴۰- غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی‌شود که زن پس از خونریزی زایمان باید آن را انجام دهد (به شرحی که در رساله توضیح‌المسائل، مسأله ۴۸۴ به بعد آمده است).

تیمّم

اشاره

مسأله ۱۴۱- در چند مورد باید به جای وضو و غسل تیمّم کرد: * دسترسی به آب نداشته باشد. * آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلًا به سبب استعمال آب بیماری در او پیدا می‌شود یا بیماریش شدّت می‌یابد و یا دیر خوب می‌شود. * اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیقش و یا کسانی که به او مربوطند از تشنگی هلاک می‌شوند یا بیمار می‌شوند، یا به قدری تشنه می‌شوند که تحمّل آن سخت است (حتّی حیوانی که در اختیار اوست نیز همین حکم را دارد). * بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری نیز ندارد. * وقت به قدری تنگ است، که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود.

دستور تیمّم

مسأله ۱۴۲- در تیمّم پنج چیز واجب است: ۱. نیّت ۲. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم بر آن صحیح است. ۳. کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا روی ابروها و بالای بینی. ۴. کشیدن کفِ دستِ چپ بر تمام پشت دستِ راست. ۵. کشیدنِ کف دست راست بر تمام پشت دست چپ (انگشتان هم جزء کف دست می‌باشند). مسأله ۱۴۳- برای آن‌که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید کمی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست. مسأله ۱۴۴- انسان باید برای تیمّم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد برطرف کند. مسأله ۱۴۵- تمام کارهای تیمّم باید با قصد تیمّم و برای اطاعت خداوند انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمّم بجای وضو است یا غسل، و این همان نیّت تیمّم است.

چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است

مسأله ۱۴۶- تیمّم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، صحیح است، به شرط اینکه پاک باشد و غصبی نباشد.

احکام تیمّم

مسأله ۱۴۷- تیمّمی که بجای وضو است با تیمّمی که به جای غسل است فرقی ندارد. ولی بهتر است در تیمّم به جای غسل یک بار دیگردستها را به زمین بزنند و فقط پشت دستها را مسح کند. مسأله ۱۴۸- کسی که بجای وضو تیمّم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیمّمش باطل می‌شود. مسأله ۱۴۹- کسی که به جای غسل، تیمّم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می‌کند، پیش آید تیمّمش باطل می‌شود؛ مثلًا اگر به جای غسل جنابت تیمّم کرده اگر دوباره جنب شود تیمّمش باطل می‌شود. مسأله ۱۵۰- تیمّم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند؛ بنابراین اگر بدون عذر تیمّم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلًا آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمّم او باطل می‌شود. احکام جوانان، ص: ۴۹ مسأله ۱۵۱- اگر به جای غسلهای واجب تیمّم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد.

نماز

مقدّمه

نماز مهمترین عبادت است که اگر قبول درگاه خداوند بزرگ شود، عبادتهای دیگر نیز قبول می‌گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز ارزش نخواهد داشت. همان‌طور که اگر انسان، در شبانه‌روز پنج نوبت، خود را در نهر آبی شستشو کند، هیچ‌گونه آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و غبار معصیت را از دلها می‌شوید. سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند کسی که نماز را سبک بشمارد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که به نماز اهمّیّت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است». سزاوار است نمازگزار کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند بجا نیاورد؛ مثلًا با حالت خواب‌آلودگی نماز نخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند. بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند بجا احکام جوانان، ص: ۵۱ آورد؛ مثلًا لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندانهایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب. نمازهای واجب هم دو دسته‌اند؛ برخی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشد که باید در هر شبانه روز و در زمانهای خاصّی بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می‌شود و برنامه همیشگی و هر روزه نیست.

وقت نمازهای روزانه

مسأله ۱۵۲- نمازهای هر روزه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است. نماز صبح: دو رکعت نماز ظهر: چهار رکعت نماز عصر: چهار رکعت نماز مغرب: سه رکعت نماز عشا: چهار رکعت مسأله ۱۵۳- وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع آفتاب است احکام جوانان، ص: ۵۲ که در این مدّت باید خوانده شود و هرچه به اذان صبح نزدیکتر باشد بهتر است. وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا غروب است، و به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی از اوّل وقت، مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به غروب مانده مخصوص نماز عصر است. وقت نماز مغرب و عشا از مغرب تا نصف شب است و به اندازه خواندن یک نماز سه رکعتی از اوّل وقت، مخصوص نماز مغرب و به اندازه یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است مخصوص نماز عشا می‌باشد. و احتیاط آن است که اگر از نصف شب بگذرد نیّت ما فی‌الذّمه کند (یعنی آنچه خدا به او دستور داده، خواه ادا باشد یا قضا).

وقت اذان صبح

مسأله ۱۵۴- نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سپیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اوّل» گویند، هنگامی که آن سپیده، شفّاف و پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

ظهر

مسأله ۱۵۵- اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار احکام جوانان، ص: ۵۳ دهیم، صبح که خورشید طلوع می‌کند، سایه

آن به طرف مغرب می‌افتـد و هرچه آفتاب بالا می‌آیـد سایه کم می‌شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقـدار رسـید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است. «۱» (و به عبارت دیگر خورشید از روی نقطه جنوب بگذرد).

مغرب

مسأله ۱۵۶- «مغرب» موقعی است که آفتاب غروب کنـد و احتیاط آن است که سرخی طرف مشرق، که بعـد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر بگذرد.

نیمه شب

مسأله ۱۵۷- برای محاسبه نیمه شب، که پایان وقت نماز عشا به دست می‌آید، احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب آفتاب تا اذان صبح را نصف کنیم. «۲»

احکام وقت نماز

مسأله ۱۵۸- نمازهـای غیر روزانه دارای وقت مشخّصـی احکام جوانان، ص: ۵۴ نمی‌باشـد، و بسـتگی به زمانی دارد که به علّتی آن نمـاز واجب شود؛ مثلًا نماز آیات بسـتگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمـده است و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود. مسأله ۱۵۹- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانـده شود و یا عمـداً نماز را قبل از وقت شروع کنـد، نمـاز باطـل است. [اگر نمـاز در وقت خودش خوانـده می‌شود، در اصـطلاحِ احکام گوینـد: نماز «ادا» است و اگر نماز بعـد از گذشـتن وقت خوانده شود، در اصـطلاح گویند: نماز «قضا» شده است.] مسأله ۱۶۰- انسان بایـد نماز را در وقت معیّن آن بخواند و اگر عمـداً در آن وقت نخواند، گناهکار است. مسأله ۱۶۱- مسـتحب است انسان نماز را در اوّل وقت بخوانـد، و هرچه به اوّل وقت نزدیکتر باشـد بهتر است، مگر آن‌که تـأخیر آن از جهتی بهتر باشـد، مثلًا صبر کنـد که نماز را به جماعت بخوانـد. مسأله ۱۶۲- اگر وقت نمـاز تنگ باشـد به گونه‌ای که اگر بخواهـد مسـتحبّات نمـاز را بجـا آورد، بخشـی از نمـاز بعـد از وقت خوانـده می‌شود باید مسـتحبّات را بجا نیاورد، مثلًا اگر بخواهـد قنوت بخوانـد، وقت می‌گذرد، باید قنوت را نخواند. مسأله ۱۶۳- انسان باید نماز عصر را بعـد از نماز ظهر و نماز احکام جوانان، ص: ۵۵ عشا را بعـد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصـر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است. ولی اگر سهواً باشد مانعی ندارد.

قبله

مسأله ۱۶۴- خانه کعبه، که در شـهر مکّه و در مسـجدالحرام قرار دارد، «قبله» ما مسلمانهاست و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند. مسأله ۱۶۵- کسـی که بیرون شهر مکّه و دور از آن است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است. قبله را می‌توان به وسیله قبله‌نما یا قبله مساجد یا قبور مسلمانان تشخیص داد.

پوشانیدن بدن در نماز

مسأله ۱۶۶- پسـرها و مردان در نماز، بایـد عورت را بپوشاننـد و بهتر است از ناف تا زانو پوشانده شود. مسأله ۱۶۷- دخترها و زنان؛ بایـد تمام بـدن را بپوشانند؛ ولی پوشاندن دسـتها و پاها تا مچ و صورت به مقداری که در وضو باید شسـته شود، لازم نیست، گرچه پوشانـدن آن نیز اشـکال ندارد. احکام جوانان، ص: ۵۶ مسأله ۱۶۸- لباس نمازگزار بایـد این شـرایط را داشـته باشد: * پاک باشد.

(نجس نباشد) * مباح باشد. (غصبی نباشد) * از اجزای مردار نباشد؛ حتّی کمربند و کلاه، ولی اگر آن را سر بریده باشند، هرچند مطابق دستور اسلام نباشد، پاک است و می‌توان در آن نماز خواند. * از حیوان حرام‌گوشت نباشد، مثلًا از پوست پلنگ یا روباه تهیّه نشده باشد. * اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد و زینت طلا حتّی انگشتر طلا نپوشیده باشد. مسأله ۱۶۹- علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد. مسأله ۱۷۰- اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند نمازش باطل است. مسأله ۱۷۱- در موارد زیر اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است: * نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجّه شود. * به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن لباس هم دشوار است. * لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است؛ ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرْهَم [تقریباً به اندازه یک بند انگشت احکام جوانان، ص: ۵۷ است. «۱» * ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلًا آب برای آب کشیدن آن ندارد و لباس پاک هم ندارد. مسأله ۱۷۲- اگر لباسهای کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام‌گوشت نباشد اشکال ندارد. مسأله ۱۷۳- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و خوشبو کردن خود و دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است. مسأله ۱۷۴- پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است. بهتر است در غیر نماز هم از آن پرهیز شود، مگر پوشیدن لباس مشکی در عزای معصومین علیهم السلام یا بستگان.

مکان نمازگزار

مسأله ۱۷۵- مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد: احکام جوانان، ص: ۵۸ * مباح باشد (غصبی نباشد). * بی‌حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد؛ ولی در قطار و هواپیما که انسان بتواند تعادل خود را حفظ کند و سمت قبله را مراعات نماید نماز خواندن مانعی ندارد). * جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد. * جایی که پیشانی را می‌گذارد (در حال سجده) پاک باشد. * مکان نمازگزار اگر نجس است، تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند، و اگر خشک باشد، مانعی ندارد. * جایی که پیشانی را به سجده می‌گذارد، از جای قدمهای او، بیش از چهار انگشتِ بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد؛ ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد. «۱»

احکام مکان نمازگزار

مسأله ۱۷۶- در حال ناچاری نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند اتومبیل و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر، اشکال ندارد. مسأله ۱۷۷- انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر احکام جوانان، ص: ۵۹ پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نماز نخواند، و اگر موجب هتک احترام شود، نماز باطل است. مسأله ۱۷۸- مستحبّ است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.

احکام مسجد

مسأله ۱۷۹- در اسلام به مسجد اهمّیّت زیادی داده شده است زیرا: * زیاد رفتن به مسجد برای عبادت مستحب است. * رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است. * همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند. * مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد. مسأله ۱۸۰- این کارها در رابطه با مسجد، حرام است: * زینت کردن مسجد با طلا- * خرید و فروش

مسجد، هرچند خراب شده باشد. * نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود باید فوراً تطهیر کنند. احکام جوانان، ص: ۶۰ * بردن خاک و ریگ از مسجد به جای دیگر، مگر خاکهای زیادی، مانند خاکروبه. مسأله ۱۸۱- این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است: * زودتر به مسجد رفتن. * چراغ مسجد را روشن کردن. * تمیز کردن مسجد. * هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن که نشانه احترام به مسجد است. * هنگام بیرون آمدن از مسجد اوّل پای چپ را بیرون گذاشتن. * خواندن دو رکعت نماز مستحبّی به عنوان تحیّت مسجد. * خوشبو کردن خود و پوشیدن بهترین لباسهای خود برای رفتن به مسجد. مسأله ۱۸۲- این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است: * عبور از مسجد به عنوان محلّ عبور. * انداختن آب دهان و بینی در مسجد. * خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری. * صدا را بلند کردن، مگر برای اذان. * خرید و فروش در مسجد. * سخن گفتن از امور دنیا. احکام جوانان، ص: ۶۱ * رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد.

آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمّم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار آماده شروع نماز می‌شویم:

اذان و اقامه

مسأله ۱۸۳- مستحب است، نمازگزار قبل از نمازهای یومیّه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

اذان

اللَّهُ اکْبر ۴ مرتبه اشْهَدُ انْ لا الهَ إلَّا اللَّه ۲ مرتبه اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه ۲ مرتبه حَیَّ عَلیَ الصَّلاهْ ۲ مرتبه حَیَّ عَلیَ الفَلاحِ ۲ مرتبه حَیَّ عَلی خَیْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه اللَّهُ اکْبَرُ ۲ مرتبه لا الهَ إلَّا اللَّه ۲ مرتبه

اقامه

اللَّهُ اکْبر ۲ مرتبه اشْهَدُ انْ لا الهَ إلَّا اللَّه ۲ مرتبه اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه ۲ مرتبه حَیَّ عَلیَ الصَّلاهْ ۲ مرتبه حَیَّ عَلیَ الفَلاحِ ۲ مرتبه حَیَّ عَلی خَیْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه قَدْ قامَتِ الصَّلاهْ ۲ مرتبه اللَّهُ اکْبَرُ ۲ مرتبه لا الهَ إلَّا اللَّه ۱ مرتبه مسأله ۱۸۴- جمله «اشْهَدُ انَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللَّه» جزءِ اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه» به قصد قربت و تبرّک گفته شود.

احکام اذان و اقامه

مسأله ۱۸۵- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقتِ نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است. مسأله ۱۸۶- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر آن را قبل از اذان بگوید صحیح نیست. مسأله ۱۸۷- بین جمله‌های اذان و اقامه نباید، زیاد فاصله شود احکام جوانان، ص: ۶۳ و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد. مسأله ۱۸۸- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای خود اذان و اقامه بگوید. مسأله ۱۸۹- اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صفها بهم نخورده و جمعیّت متفرّق نشده است، بنابر احتیاط واجب نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید. مسأله ۱۹۰- نماز مستحبّی اذان و اقامه ندارد، همچنین نمازهای واجب دیگر غیر از نماز یومیّه. مسأله ۱۹۱- مستحب است در روزهای اوّل که بچّه به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند. مسأله ۱۹۲- مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معیّن

می کنند، عادل و وقت‌شناس و صدایش بلند باشد.

اعمال نماز

مسأله ۱۹۳- نماز با گفتن «اللَّهُ اکْبَرُ» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد. احکام جوانان، ص: ۶۴ مسأله ۱۹۴- آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب. مسأله ۱۹۵- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رُکن و برخی غیر رُکن است.

واجبات نماز

* نیّت* تکبیرةالإحرام* قیام* رکوع* سجود* قرائت* ذکر* تشهّد* سلام* ترتیب* موالات

رکنهای نماز

* نیّت* تکبیرةالإحرام* قیام (ایستادن هنگام تکبیرةالإحرام و قیام متّصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع).* رکوع* سجود.

فرق بین رُکن و غیر رُکن

مسأله ۱۹۶- ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است. واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست. ولی اگر عمداً ترک شود، یا زیاد شود نماز باطل است.

احکام واجبات نماز

نیّت

مسأله ۱۹۷- نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالَم بجا آورد. مسأله ۱۹۸- به زبان آوردن نیّت در نماز و سایر عبادات، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد. مسأله ۱۹۹- نماز، باید از هر گونه ریا و خودنمایی به دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام فرمان خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است. همچنین اگر قصد او خدا و ریا هر دو باشد باز هم باطل است.

تکبیرةالإحرام

مسأله ۲۰۰- همانگونه که گذشت نماز با گفتن «اللَّهُ اکْبَرُ» آغاز می‌شود و به آن «تَکْبیرَةُ الإِحرام» می گویند. [چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می‌شود، مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن و سخن گفتن . مسأله ۲۰۱- مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبیرةالاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها احکام جوانان، ص: ۶۶ بالا ببرد. (کف دستها رو به قبله باشد).

قیام

مسأله ۲۰۲- قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرةالاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بدن بخواند. مسأله ۲۰۳- اگر رکوع

را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید برخیزد و بایستد سپس به رکوع برود و پس از آن سجده‌ها را بجا آورد (این همان قیام متّصل به رکوع است). مسأله ۲۰۴- نمازگزار باید موقع ایستادن هردو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا مساوی باشد. مسأله ۲۰۵- کسی که به هیچ وجه حتّی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند. نخست به طرف راست رو به قبله و اگر نمی‌تواند روی طرف چپ و اگر نمی‌تواند به پشت بخوابد و صورت و سینه رو به آسمان و پاها رو به قبله باشد. مسأله ۲۰۶- واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام از روی عمد ترک شود نماز باطل است.

قرائت

اشاره

مسأله ۲۰۷- در رکعت اوّل و دوم نمازهای روزانه، انسان باید اوّل حمد و بعد از آن یک سوره کامل قرآن (مثلًا سوره توحید) را بخواند:

سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ* الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ* الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ* مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ* ایَّاکَ نَعْبُدُ وَ ایَّاکَ نَسْتَعِینُ* إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ* صِراطَ الَّذینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالّینَ*

سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ* قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ* وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ* و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.

تسبیحات اربعه

«سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ» است

احکام قرائت

مسأله ۲۰۸- در رکعت سوم و چهارم نماز باید حمد یا تسبیحات، آهسته خوانده شود. مسأله ۲۰۹- در نماز ظهر و عصر، قرائت رکعت اوّل و دوم نیز باید آهسته خوانده شود؛ ولی در سایر ذکرها در همه نمازها مخیّر است بلند یا آهسته بخواند. مسأله ۲۱۰- پسرها و مردان در نماز صبح، مغرب و عشا باید حمد و سوره را در رکعت اوّل و دوم بلند بخوانند، ولی دخترها و بانوان اگر نامحرم صدایشان را نمی‌شنود می‌توانند بلند بخوانند وگرنه، بنابر احتیاط واجب آهسته بخوانند. مسأله ۲۱۱- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است. مسأله ۲۱۲- اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است؛ مثلًا

می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند. مسأله ۲۱۳- انسان باید مسائل و قرائت نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلًا نمی‌تواند به طور کامل قرائت صحیح را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط احکام جوانان، ص: ۶۹ مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.

رکوع

مسأله ۲۱۴- نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت حمد و سوره، باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند. و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید. مسأله ۲۱۵- در رکوع، سه مرتبه «سُبْحانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحانَ رَبِّیَ العَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ» بگوید. مسأله ۲۱۶- در حال ذکر رکوع باید بدن آرام باشد. مسأله ۲۱۷- اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است. مسأله ۲۱۸- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.

سجود

مسأله ۲۱۹- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد. مسأله ۲۲۰- سجده آن است که اعضای هفتگانه، یعنی پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها (شَست)، را بر زمین بگذارد و در حال سجده واجب است ذکر بگوید. احکام جوانان، ص: ۷۰ مسأله ۲۲۱- در سجده سه مرتبه «سُبْحانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحانَ رَبِّیَ الْأَعْلی وَ بِحَمْدِهِ» بگوید. مسأله ۲۲۲- در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد. مسأله ۲۲۳- اگر کسی پیش از آن که پیشانی او به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره، ذکر بگوید. مسأله ۲۲۴- نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اوّل بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود. مسأله ۲۲۵- اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است. مسأله ۲۲۶- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد. مسأله ۲۲۷- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم به زمین برسد مانع ندارد. مسأله ۲۲۸- نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می‌روید، ولی خوراکی و پوشاکی نباشد، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد. مسأله ۲۲۹- سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و احکام جوانان، ص: ۷۱ عقیق و فیرزوه، صحیح نیست. مسأله ۲۳۰- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است. مسأله ۲۳۱- سجده بر کاغذ، اگرچه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، صحیح است. مسأله ۲۳۲- برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیّدالشّهدا علیه السلام می‌باشد و بعد از آن بدین ترتیب: * خاک پاک * سنگ * گیاه مسأله ۲۳۳- اگر در سجده اوّل، مُهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مُهر را بردارد دوباره به سجده رود نمازش اشکال دارد.

وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول سجده کند

مسأله ۲۳۴- کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به اندازه‌ای که می‌تواند خم شود و مُهر را بر جای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین بگذارد. مسأله ۲۳۵- اگر نمی‌تواند این کار را انجام دهد باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که احکام جوانان، ص: ۷۲ قدری خم شود و مُهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد.

سجده واجب قرآن

مسأله ۲۳۶- در چهار سوره قرآن، آیه سجده است؛ که اگر انسان آن آیه را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر به گوشش بخورد احتیاط واجب سجده کردن است. مسأله ۲۳۷- سوره هایی که آیه سجده دارد: * سوره شماره ۳۲: سوره سجده، آیه ۱۵. * سوره شماره ۴۱: سوره فُصِّلَت، آیه ۳۷. * سوره شماره ۵۳: سوره نجم، آیه ۶۲. * سوره شماره ۹۶: سوره عَلَق، آیه ۱۹. مسأله ۲۳۸- اگر سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند. مسأله ۲۳۹- اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنابر احتیاط واجب باید سجده کند. مسأله ۲۴۰- اگر آیه سجده را از مثلِ بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند. مسأله ۲۴۱- گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، امّا مستحب می‌باشد. مثلًا بگوید: «لا الهَ إلّا اللّهُ حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَکَ احکام جوانان، ص: ۷۳ یا رَبِّ تَضَرُّعاً وَرِقّاً».

تشهّد

مسأله ۲۴۲- در رکعت دوم همه نمازها و رکعت آخر نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی نمازگزار باید بعد از سجده بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهّد بخواند، یعنی بگوید: «اشْهَدُ انْ لا الهَ الَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

سلام

مسأله ۲۴۳- در رکعت آخر نماز، پس از تشهّد باید سلام دهد و نماز را به پایان برد. مسأله ۲۴۴- سلام نماز به این صورت است: «السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النّبِیُّ وَ رحمةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحینَ السَّلامُ عَلَیْکُم وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ». و می‌تواند به سلام سوم قناعت کند.

ترتیب

مسأله ۲۴۵- نماز باید به این ترتیب خوانده شود: تکبیرةالإحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهّد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهّد، سلام دهد.

مُوالات

مسأله ۲۴۶- موالات؛ یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها. مسأله ۲۴۷- اگر کسی بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که از صورت نمازگزار خارج شود، نمازش باطل است. مسأله ۲۴۸- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را بهم نمی‌زند، بلکه سکوت زیاد موالات نماز را بهم می‌زند.

قنوت

مسأله ۲۴۹- مستحبّ است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دستها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکری بخواند. مسأله ۲۵۰- در قنوت هر دعایی بخواند کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند: «رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ».

تعقیب نماز

تعقیب یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام احکام جوانان، ص: ۷۵ نماز. و در واقع آثار نماز را در وجود انسان عمیق‌تر می‌کند. مسأله ۲۵۱- بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد. مسأله ۲۵۲- لازم نیست تعقیب به عربی باشد، و معنای آن را نیز بفهمد؛ ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب دعا دستور داده‌اند بخواند. مسأله ۲۵۳- از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است؛ یعنی گفتن: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ اکْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّه» و ۳۳ مرتبه «سُبْحانَ اللَّهِ».

مُبطِلات نماز

اشاره

مسأله ۲۵۴- آنگاه که نمازگزار، تکبیرةالإحرام می‌گوید و نماز را شروع می‌کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می‌شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل است، مثل: سخن گفتن. خندیدن. گریستن. روی از قبله برگرداندن. خوردن و آشامیدن. بر هم زدن صورت نماز. کم یا زیاد کردن ارکان نماز. (به شرحی که در مسأله ۱۹۳ گذشت» «۱»

احکام مبطلات نماز

سخن گفتن

مسأله ۲۵۵- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، اگرچه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، نمازش باطل است. (بنابراحتیاط واجب). مسأله ۲۵۶- اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ مثلًا متوجّه نبود که در حال نماز است، نماز باطل نمی‌شود. مسأله ۲۵۷- سرفه کردن و عطسه نمودن نماز را باطل نمی‌کند. مسأله ۲۵۸- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند واجب است جواب او را بدهد، و باید همان‌طور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلًا اگر گفته: «سلامٌ علیکم» در جواب بگوید «سلامٌ علیکم» و اگر گفته: «سلام»، بگوید: «سلام»، در غیر نماز نیز جواب سلام واجب است.

خندیدن و گریستن

مسأله ۲۵۹- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است. حتّی اگر بی‌اختیار بخندد نیز نمازش باطل می‌شود. مسأله ۲۶۰- لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

روی از قبله برگرداندن

مسأله ۲۶۱- اگر عمداً به قدری روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است، بنابر احتیاط احکام جوانان، ص: ۷۸ واجب. مسأله ۲۶۲- اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

خوردن و آشامیدن

مسأله ۲۶۳- اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، نمازش باطل است. مسأله ۲۶۴- اگر نمازگزار خرده‌غذایی که در دهانش باقی مانده فرو برد نمازش باطل نمی‌شود.

بر هم زدن صورت نماز

مسأله ۲۶۵- اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هرچند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود. مسأله ۲۶۶- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است. مسأله ۲۶۷- رها کردن نمازِ واجب (شکستن نماز) حرام است، بنابراحتیاط واجب؛ مگر در حال ناچاری، مانند این موارد: ۱. حفظ جان خود یا دیگری. ۲. حفظ مال مهمّی از خود یا دیگری. ۳. جلوگیری از ضرر مالی و بدنی. احکام جوانان، ص: ۷۹ مسأله ۲۶۸- شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم، در صورتی که بعد از نماز دسترسی به او پیدا نمی‌کند، واجب است. مسأله ۲۶۹- شکستن نماز برای مالی که اهمّیّت چندانی ندارد مکروه است. مسأله ۲۷۰- برخی از کارها در نماز مکروه است؛ مانند: ۱. برهم گذاشتن چشمها. ۲. بازی کردن با انگشتان و دستها و موی سر یا صورت. ۳. سکوت کردن برای شنیدن حرف کسی در هنگام خواندن حمد، یا سوره، و یا ذکر. ۴. هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد. ۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند).

ترجمه اذان و اقامه

* «اللَّهُ اکْبَرُ» خدا از همه چیز و همه کس برتر است. * «اشْهَدُ ان لا اله الَّا اللَّهُ». گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان، خدایی نیست. * «اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ». گواهی می‌دهم که محمّد فرستاده خداست. احکام جوانان، ص: ۸۰ * «اشْهَدُ انَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللَّهُ». گواهی می‌دهم که علی ولیّ خدا بر همه خلق است. * «حَیَّ عَلَی الصَّلاةِ». بشتابید بسوی نماز. * «حَیَّ عَلَی الفَلاحِ». بشتابید به سوی رستگاری. * «حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ». بشتابید به سوی بهترین کارها. * «قَدْ قامَتِ الصَّلاةُ». همانا نماز برپا شد. * «اللَّهُ اکْبَرُ». خدا از همه چیز و همه کس برتر است. * «لا الهَ الَّا اللَّهُ». جز آفریدگار جهان معبودی نیست.

ترجمه نماز

تکبیرةالإحرام:* «اللَّهُ اکْبَرُ». خدا از همه چیز و همه کس برتر است. احکام جوانان، ص: ۸۱ حمد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ». به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. * «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ». ستایش، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. * «الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ». بخشنده و بخشایشگر است. * «مالِکِ یَوْمِ الدّین». (خداوندی که) مالک روز جزاست. * «ایَّاکَ نَعْبُدُ وَ ایَّاکَ نَسْتَعِینُ». (پروردگارا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. * «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ». ما را به راه راست هدایت کن. * «صِراطَ الَّذینَ انْعَمْتَ عَلَیْهِم». راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی. * «غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لا الضَّالّینَ». نه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان. احکام جوانان، ص: ۸۲ سوره:* «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ». به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. * «قُلْ هُوَ اللَّهُ احَدٌ». بگو خداوند، یکتا و یگانه است. * «اللَّهُ الصَّمَدُ». خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند. * «لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ». (هرگز) نزاد و زاده نشد. * «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً احَدٌ». برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است. ذکر رکوع:* «سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ». خدای خود را، که بزرگ است، منزّه می‌دانم و می‌ستایم. ذکر سجود:* «سُبْحانَ رَبِّیَ الْأَعْلی وَ بِحَمْدِهِ». خدای خود را، که از همه بالاتر است، منزّه می‌دانم و می‌ستایم. تسبیحات اربعه:* «سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا الهَ إلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ اکْبَرُ». احکام جوانان، ص: ۸۳ منزّه است خدا، ستایش مخصوص خداست، جز آفریدگار جهان معبودی نیست و خدا از همه

برتر است. تشهّد و سلام:* «اشْهَدُ انْ لا إلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ». گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتاست و شریک ندارد. * «وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ». و گواهی می‌دهم که محمّد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. * «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». خداوندا! بر محمّد و خاندان او درود فرست. * «السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّها النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ». درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر. * «السَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحینَ». درود بر ما و بر بندگان صالح خدا. * «السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ». درود بر شما (ای نمازگزاران و مؤمنان) و رحمت و برکات خدا بر شما. احکام جوانان، ص: ۸۴

شَکیّات نماز

مقدّمه

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام بعضی از کارهای نماز شک کند؛ مثلًا نمی‌داند تشهّد را خوانده است یا نه و یا نمی‌داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده. و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلًا نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوم است یا چهارم. برای شک در نماز، احکام خاصّی است و بیان تمام موارد آن از حدّ این نوشته خارج است؛ ولی بطور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

شک در کارهای نماز

مسأله ۲۷۱- اگر نمازگزار در انجام یکی از کارهای نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن را بجا آورده است یا نه، اگر کار بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محلّ آن کار نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در کار بعدی شک پیش احکام جوانان، ص: ۸۵ آمده؛ به چنین شکّی اعتنا نمی‌کند و نماز را ادامه داده و صحیح است. (مثلًا اگر در رکوع شک کند، سوره را بجا آورده یا نه، اعتنا نمی‌کند چون محلّ سوره گذشته است). مسأله ۲۷۲- اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحّت آن شک کند، یعنی نمی‌داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شکّ خود اعتناء نمی‌کند؛ یعنی بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

شکهایی که نماز را باطل می‌کند

مسأله ۲۷۳- اگر در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح یا در نماز مغرب شک در رکعت پیش آید، نماز باطل است. مسأله ۲۷۴- اگر بین یک و بیشتر از یک شک کند؛ مثلًا شک کند که در رکعت اوّل است یا دوم، نماز باطل است. مسأله ۲۷۵- اگر اصلًا نداند چند رکعت خوانده، نماز او باطل است. مسأله ۲۷۶- شک در رکعات نماز چهار رکعتی: در این جدول مواردی که شک سبب باطل شدن نماز می‌شود و مواردی که صحیح است و راه اصلاح آن بیان شده است. احکام جوانان، ص: ۸۶ نوع شک در حال قیام در رکوع بعد از رکوع در سجده بعد از سجده بطور نشسته‌وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می‌باشد بین ۲ و ۳ باطل باطل باطل باطل صحیح‌بنا را بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، ایستاده، یک رکعت نماز احتیاط بخواند. بین ۲ و ۴ باطل باطل باطل باطل صحیح‌بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند. بین ۳ و ۴ صحیح صحیح صحیح صحیح صحیح‌بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند. بین ۴ و ۵ صحیح باطل باطل باطل صحیح اگر در حال قیام شک پیش آمده است، بدون رکوع

می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده می‌خواند و احتیاطاً نماز را اعاده می‌کند و اگر در حالت نشسته بعد از سجده‌ها پیش آمده است، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد.

مسأله ۲۷۷- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

* در نماز مستحبّی. * در نماز جماعت. * پس از سلام نماز. * بعد از گذشت وقت نماز. * شک کثیرالشّک؛ یعنی کسی که بسیار شک می‌کند. مسأله ۲۷۸- اگر کسی در تعداد رکعتهای نماز مستحبّی شک کند، بنا را بر دو می‌گذارد، چون تمام نمازهای مستحبّی- بجز نماز وتر و نماز اعرابی- دو رکعتی است. پس اگر شک بین یک و دو، یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنا بر دو می‌گذارد و نماز صحیح است. مسأله ۲۷۹- اگر امام جماعت در نماز جماعت، در رکعتهای نماز شک کند، ولی مأموم شک نداشته باشد و به امام بفهماند که رکعت چندم است، امام جماعت نباید به شکّ خود اعتنا کند، همچنین اگر مأموم شک کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، از امام جماعت پیروی می‌کند و نماز او صحیح است. مسأله ۲۸۰- اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلًا شک کند رکوع کرده یا نه، یا شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شکّ خود اعتنا نکند. مسأله ۲۸۱- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز احکام جوانان، ص: ۸۸ خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست؛ ولی اگر پیش از گذشتن وقت شک کند که نماز را خوانده یا نه، باید نماز را بخواند. مسأله ۲۸۲- اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند پیش آید، باید مقداری فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، نماز را بهم می‌زند و دوباره شروع می‌کند.

نماز احتیاط

مسأله ۲۸۳- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل شک بین ۳ و ۴، باید بعد از سلام نماز، بدون آن‌که صورت نماز را بهم بزند و یا یکی از مبطلات نماز را انجام دهد برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند. مسأله ۲۸۴- فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر: * نیّت آن را نباید به زبان آورد. * سوره و قنوت ندارد. * سوره حمد، حتّی بسم اللّه را باید آهسته بخواند. (بنابر احتیاط واجب). مسأله ۲۸۵- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد پس از سجده‌ها، تشهّد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد در پایان رکعت دوم تشهّد بخواند و سلام دهد.

سجده سهو

مسأله ۲۸۶- هر کم و زیادی در غیر ارکان نماز حاصل شود و نیز در کلام سهوی و سلام سهوی، سجده سهو بجا می‌آورد و همچنین در شک بین ۴ و ۵، و سجده سهو چنین است که بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ ايُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ». و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکر بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهّد و سلام را بخواند. و احتیاطاً فقط سلام آخر را بگوید.

نماز مسافر

اشاره

مسأله ۲۸۷- انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته، یعنی دو رکعت، بجا آورد؛ به شرط آن‌که مسافرتش از هشت

فرسخ کمتر نباشد. [هشت فرسخ شرعی در حدود ۴۳ کیلومتر است . مسأله ۲۸۸- اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حدّاقل چهار فرسخ می‌رود، و چهار فرسخ برمی‌گردد، نمازش در این سفر هم شکسته است. مسأله ۲۸۹- کسی که به مسافرت می‌رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حدّاقل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود، یا این‌که اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که او اهل آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود، بخواهد نماز بخواند، باید تمام بخواند. مسأله ۲۹۰- اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته احکام جوانان، ص: ۹۱ بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود باید نماز را چهار رکعتی بخواند. مسأله ۲۹۱- در این موارد نماز تمام است: ۱. قبل از آن‌که هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد و یا در جایی قصد دارد ده روز بماند. ۲. از اوّل قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده؛ مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌گردد. ۳. قبل از رسیدن به چهار فرسخ از رفتن منصرف شود. ۴. کسی که شغل او مسافرت است، مثل راننده قطار و ماشینهای برون‌شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست) همچنین کسانی که برای کار یا تحصیل از جایی به جای دیگر رفت و آمد دارند. ۵. کسی که برای کارش بطور متعارف حدّاقل هفته‌ای سه روز مسافرت می‌رود و آخر هفته به وطن خود برمی‌گردد. ۶. کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیّت پدر و مادر باشد. در همه اینها نماز تمام است. ۷. در این مکانها نیز نماز تمام است: در وطن. در جایی که بنا دارد ده روز بماند. احکام جوانان، ص: ۹۲ در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده، و باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

وطن کجاست؟

مسأله ۲۹۲- وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است. مسأله ۲۹۳- فرزند، تا زمانی که با پدر و مادر زندگی می‌کند و مستقل نشده است، همان وطن پدر و مادر وطن او می‌باشد، هرچند در آنجا به دنیا نیامده باشد و پس از آن‌که در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی مستمر اختیار کرد، آنجا وطن او می‌شود. مسأله ۲۹۴- تا انسان قصد ماندنِ مستمر در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او حساب نمی‌شود. مسأله ۲۹۵- اگر قصد دارد در محلّی که وطن اصلی او نیست مدّتی بماند؛ مثلًا یک سال یا بیشتر، آنجا مانند وطن او حساب می‌شود، مانند دانشجویی که مدّتی برای تحصیل در شهری می‌ماند. مسأله ۲۹۶- اگر انسان بدون قصد ماندن مستمر و بدون قصد احکام جوانان، ص: ۹۳ رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد. مسأله ۲۹۷- اگر به جایی برود که قبلًا وطن او بوده، ولی هم‌اکنون از آنجا اعراض کرده است؛ یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت مستمر به آنجا برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگرچه در آنجا خانه دارد یا گه‌گاه دیدن می‌کند. مسأله ۲۹۸- مسافری که به وطنش بر می‌گردد، وقتی به جایی برسد که اهل وطن او را ببینند و صدای اذان را بشنود باید نماز را تمام بخواند.

قصد ده روز

مسأله ۲۹۹- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند. مسأله ۳۰۰- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد: الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند. ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد

خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

اشاره

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده شود. مسأله ۳۰۱- انسان باید نمازهای واجب را در وقت معیّن آن بخواند و چنانچه خدای نکرده بدون عذر نمازی از او قضا شود گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن راهم بجا آورد. مسأله ۳۰۲- در دو مورد، بجا آوردن قضای نماز، واجب است: الف) نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد. ب) بعد از وقت متوجّه شود نمازی که خوانده است باطل بوده. مسأله ۳۰۳- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد. مسأله ۳۰۴- قضای نمازهای روزانه لازم نیست به ترتیب خوانده شود، ولی اگر نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا یک روز احکام جوانان، ص: ۹۵ باشد، باید به ترتیب بخواند. مسأله ۳۰۵- کسی که می‌داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی‌داند؛ مثلًا نمی‌داند چهارتا بوده یا پنج‌تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی است. مسأله ۳۰۶- اگر شماره آنها را می‌دانسته، ولی اتّفاقاً فراموش کرده است اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند. مسأله ۳۰۷- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند، مثلًا اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد. مسأله ۳۰۸- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگرچه در شهر خودش باشد. مسأله ۳۰۹- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتّی روزه قضا، ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد. مسأله ۳۱۰- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند. مسأله ۳۱۱- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان بجا آورد.

نماز قضای پدر و مادر

مسأله ۳۱۲- تا انسان زنده است، اگرچه از خواندن نماز خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا کند. مسأله ۳۱۳- پس از مرگ پدر یا مادر، نماز و روزه‌هایی را که به خاطر عذری بجا نیاورده باشد، بر پسر بزرگتر او واجب است آن نماز و روزه‌ها را قضا کند.

نماز جماعت

مقدّمه

وحدت امّت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمّیّت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است. در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای تقوا و عدالت است پیشاپیش جمعیّت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظّم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می‌آورند. کسی که در این نمازِ دسته‌جمعی، پیشاپیش جمعیّت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشتِ سر او، در نماز از او پیروی می‌کند «مأموم» است.

اهمّیّت نماز جماعت

گذشته از آن‌که در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقّت در مضمون روایات احکام

جوانان، ص: ۹۸ اسـلامی به اهمّیّت این عبـادت پی می‌بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: مسأله ۳۱۴- شرکت در نماز جماعت برای هر کسی مستحب است؛ بویژه برای همسایه مسجد. مسأله ۳۱۵- مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخوانـد. مسأله ۳۱۶- نمـاز جمـاعت، هرچنـد اوّل وقت خوانـده نشـود، از نمـاز فُرادایِ «۱» اوّل وقـت بهـتر است. مسـأله ۳۱۷- نماز جمـاعتی که مختصـر خوانـده می‌شود، از نماز فُرادایی که آن را طول بدهـد بهتر است. مسأله ۳۱۸- سـزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند. مسأله ۳۱۹- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن، جایز نیست.

شرایط نماز جماعت

مسأله ۳۲۰- در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود: ۱. مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است احکام جوانان، ص: ۹۹ کمی عقب‌تر بایستد. ۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد. (مقدار کم و سراشیبی مختصر مانعی ندارد). ۳. فاصـله امام و مأموم و فاصـله صف‌ها، زیاد نباشـد، و احتیاط آن است که فاصـله بیش از دو سه قدم نباشد. ۴. بین امـام و مأموم و همچنین بین صف‌ها، چیزی ماننـد دیوار یا پرده مانع نباشـد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صفِ مردها و زنها اشـکال ندارد. مسأله ۳۲۱- امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.

پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)

اشاره

مسأله ۳۲۲- در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می‌توان به «امام» اقتـدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعـد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید. مسأله ۳۲۳- حالتهای مختلف برای پیوستن به نماز جماعت.

رکعت اوّل

۱. در بین قرائت: مـأموم حمـد و سوره را نمی‌خوانـد و بقیّه احکـام جوانان، ص: ۱۰۰ اعمـال را بـا امام جماعت بجا می‌آورد. ۲. در رکوع: رکوع و بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

رکعت دوم

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سـجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشـهّد می‌خواند، بنابراحتیاط واجب باید به صورت نیم‌خیز، بنشـیند «۱» و اگر نماز دو رکعتی است بعـد از سـلام امام یک رکعت دیگر به تنهایی بخوانـد و نماز را تمام کنـد و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم می‌باشد، حمد و سوره را خودش آهسـته بخواند و آنگاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سـجده، تشـهّد بخواند، و برای خواندن رکعت سوم برخیزد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهّد و سلام، نماز را به پایان می‌برد او نیم‌خیز می‌نشـیند سپس یک رکعت دیگر را خودش می‌خواند. ۲. در رکوع: رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیّه نماز را همانگونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

رکعت سوم

۱. در بین قرائت: زمانی که می‌دانـد اگر اقتـدا کنـد، برای خوانـدنِ حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمـد و سوره و اگر امام به رکوع رفت فقط حمـد را بخواند، ولی اگر می‌داند فرصت ندارد، باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند. ۲. در رکوع: چنانچه در رکوع اقتـدا کنـد، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت لازم نیست و بقیه نماز را همانگونه که قبلًا بیان شد بجا می‌آورد.

رکعت چهارم

۱. در بین قرائت: حکم اقتـدا در رکعت سوم را دارد، و آنگـاه که امـام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشـهّد و سـلام می‌نشـیند، مأموم بطور نیم‌خیز بنشیند تا تشهّد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد و بقیّه نماز را خودش بخواند. ۲. در رکوع: رکوع و سـجده‌ها را بـا امـام بجـا می‌آورد، (اکنون رکعت چهـارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیّه نماز را همانگونه که در مسأله قبل گذشت انجام می‌دهد.

احکام نماز جماعت

مسأله ۳۲۴- اگر امـام جمـاعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خوانـد، هر کـدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتـدا کرد، بنابراین اگر امـام، نمـاز عصـر را می‌خوانـد، مـأموم می‌توانـد، نمـاز ظهر را به او اقتـدا کنـد، و اگر مـأموم پس از آن‌که نمـاز ظهر را خوانـد، جماعت برپا شود می‌توانـد، نماز عصـر را به ظهر امام اقتـدا کند. مسأله ۳۲۵- مـأموم می‌توانـد نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتـدا کنـد، هرچنـد قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلًا امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صـبح را. مسأله ۳۲۶- نماز جماعت، حدّاقل با دو نفر برپا می‌شود، یک نفر امام و یک نفر مأموم، مگر در نماز جمعه که حدّاقل باید پنج نفر باشـند. مسأله ۳۲۷- نمازهای مسـتحبّی را نمی‌توان به جماعت خوانـد، مگر نماز طلب باران. «۱» مسأله ۳۲۸- مأموم نباید تکبیرةالإحرام را پیش از امام بگویـد. مسأله ۳۲۹- مـأموم، بایـد غیر از حمـد و سوره همه چیز نمـاز را خودش بخوانـد، ولی اگر رکعت اوّل یـا دوم او، همراه رکعت احکام جوانان، ص: ۱۰۳ سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را نیز خودش بخواند.

نماز جمعه

مقدّمه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند، و برتر از نمـاز ظهر است. در فضیلت این نمـاز، همین بس که سوره‌ای در قرآن به این نـام آمـده و در آنجـا مؤمنان را به حضور در نماز جمعه، دعوت فرموده است.

چگونگی نماز جمعه

مسأله ۳۳۰- نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسّط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود. مسأله ۳۳۱- احتیاط آن است که امام جمعه، حمـد و سوره را بلنـد بخواند. مسأله ۳۳۲- در نماز جمعه مسـتحبّ است در کعت اوّل پس از احکام جوانان، ص: ۱۰۵ سوره حمـد، سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس از حمـد، سوره «منـافقون» خوانـده شود. مسأله ۳۳۳- در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اوّل، پیش از رکوع، و دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

شرایط نماز جمعه

مسأله ۳۳۴- در نماز جمعه شرایط زیر بایـد مراعات شود: * تمام شـرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است. * بایـد به جماعت برگزار شود و فُرادا صـحیح نیست. * حـدّاقلّ تعـداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنـج نفر می‌باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار نفر مأموم. * بین دو نماز جمعه، حدّاقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

وظیفه نمازگزاران جمعه

مسأله ۳۳۵- بنابر احتیاط واجب مأمومین بایـد به خطبه‌ها گوش دهنـد. مسأله ۳۳۶- احتیاط واجب است که از سـخن گفتن بپرهیزند احکـام جوانان، ص: ۱۰۶ هرچنـد سـخن گفتن، نماز جمعه را باطل نمی‌کنـد. مسأله ۳۳۷- احتیـاط واجب آن است که شـنوندگان، هنگـام ایراد خطبه‌هـا، رو به امـام جمعه بنشـینند و به این طرف و آن طرف نگـاه نکننـد. مسأله ۳۳۸- اگر انسـان به رکعت اوّل نمـاز جمعه نرسـد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هرچند در رکوع، برساند صـحیح است و رکعت دوم را خودش می‌خواند؛ ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.

نماز آیات

اشاره

مسأله ۳۳۹- یکی از نمازهـای واجـب «نمـاز آیـات» اسـت کـه بـه سـبب پیش‌آمـدن ایـن حـوادث واجـب می‌شـود: زلزله، خسـوف (ماه‌گرفتگی)، کسوف (خورشـیدگرفتگی)، و نیز رعـد و برق شدیـد و وزیدن بادهای زرد و سـرخ در صورتی که مایه وحشت نوع مردم شود.

چگونگی نماز آیات

اشاره

مسأله ۳۴۰- نمـاز آیـات دو رکعت است و هر رکعت آن پنـج رکـوع دارد. قبـل از هر رکـوع، سوره حمـد و سوره دیگری از قرآن خوانـده می‌شود؛ یعنی در دو رکعت، ده حمـد و ده سوره خوانده می‌شود، ولی می‌توان یک سوره را پنج قسـمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسـمت از آن را خوانـد، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود. در اینجا با تقسـیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را احکام جوانان، ص: ۱۰۸ می‌آوریم:

رکعت اوّل

پس از تکبیرةالإحرام سوره حمـد را بخوانـد و «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» بگوید و به رکوع رود. سـپس بایسـتد و بگوید: «قل هو اللّه احـد» و به رکوع رود. بار دیگر بایسـتد و بگوید: «اللّه الصـمد» و به رکوع رود. سـر از رکوع بردارد و بگوید: «لم‌یلد و لم‌یولد» و به رکوع رود. از رکوع سـر بردارد و بگویـد: «و لم‌یکن له کفواً احد» و به رکوع رود. و بعد از سـر برداشـتن از رکوع به سـجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوم برخیزد و در همه رکوعها ذکر رکوع مطابق معمول گفته شود.

رکعت دوم

رکعت دوم را نیز مانند رکعت اوّل بجا می‌آورد و سپس با تشهّد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.

احکام نماز آیات

مسأله ۳۴۱- اگر یکی از سبب‌های نماز آیات فقط در شهری احکام جوانان، ص: ۱۰۹ اتّفاق بیفتد، مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست. مسأله ۳۴۲- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است. مسأله ۳۴۳- قنوت در نماز آیات مستحب است و اگر یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است. مسأله ۳۴۴- هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است. مسأله ۳۴۵- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند. احکام جوانان، ص: ۱۱۰

نمازهای مستحب «۱»

اشاره

مسأله ۳۴۶- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش بیان تمام آنها را ندارد، امّا برخی از آنها را که اهمّیت بیشتری دارد می‌آوریم:

نماز عید

مسأله ۳۴۷- در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید در زمان غیبت امام زمان (عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف) مستحب است.

وقت نماز عید

مسأله ۳۴۸- وقت نماز عید، از طلوع آفتاب است تا ظهر. مسأله ۳۴۹- مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکاتِ فِطره «۲» را هم بدهند، سپس نماز عید احکام جوانان، ص: ۱۱۱ را بخوانند.

چگونگی نماز عید

مسأله ۳۵۰- نماز عید دو رکعت است، با نُه قنوت و اینگونه خوانده می‌شود: * در رکعت اوّل نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده. * در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می‌شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهّد و سلام بجا می‌آورد. * در قنوت‌های نماز عید، هر دعا و ذکری بخوانند کافی است، ولی بهتر است، این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ اهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَ الْعَظَمَهِْ، وَ اهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ اهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَهِْ، وَ اهْلَ التَّقْوی وَ الْمَغْفِرَهِْ، اسْأَلُکَ بِحَقِّ هذَا الْیَوْم، الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمینَ عیداً، و لُمحَمَّدٍ صَلّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً وَ شَرَفاً وَ کَرامَهًْ وَ مَزیداً، انْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُدْخِلَنِی فِی کُلِّ خَیْرٍ، ادْخَلْتَ فیهِ مُحَمَّداً وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ انْ تُخْرِجَنِی مِنْ احکام جوانان، ص: ۱۱۲ کُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ

آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ؛ اللَّهُمَّ انّی اسْأَلُکَ خَیْرَ ما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ، وَ اعُوذُ بِکَ مِمّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُکَ الْمُخْلَصُونَ».

نافله‌های شبانه‌روزی

نافله‌های شبانه روزی در غیر روز جمعه ۳۴ رکعت است که از جمله آنها یازده رکعت «نافله شب» و دو رکعت «نافله صبح» و دو رکعت «نافله عشا» می‌باشد که به صورت نشسته بجا آورده می‌شود و چهار رکعت «نافله مغرب» که ثواب بسیار دارد «۱».

نماز شب

مسأله ۳۵۱- نماز شب یازده رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود: چهار تا دو رکعت به نیّت نافله شب، دو رکعت به نیّت نافله شَفع و یک رکعت به نیّت نافله وَتْر.

وقت نماز شب

مسأله ۳۵۲- نماز شب آثار و فواید و نورانیّت بسیار دارد و احکام جوانان، ص: ۱۱۳ وقت آن از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. مسأله ۳۵۳- مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را قبل از خوابیدن بجا آورد.

نماز غُفیلَه

مسأله ۳۵۴- یکی دیگر از نمازهای مستحبّی، نماز «غُفیلَه» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود (این نماز را باید به قصد رجا یعنی به امید مطلوبیّت بجا آورد).

کیفیّت نماز غفیله

مسأله ۳۵۵- نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اوّل، پس از حمد این آیه خوانده شود: «وَ ذَا النُّونِ اذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ انْ لَنْ نَقدِرَ عَلَیْهِ فَنَادی فِی الظُّلُماتِ انْ لا اله الَّا انْتَ سُبْحانَکَ انّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ فَاستَجَبْنا لَهُ وَ نَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ». و در رکعت دوم، پس از حمد، این آیه خوانده می‌شود: «وَ عِنْدَهُ مفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها الّا هُوَ وَ یَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ و مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ الّا یَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فی ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَ لَا احکام جوانان، ص: ۱۱۴ رَطْبٍ وَ لَا یابِسٍ الَّا فِی کِتابٍ مُبینٍ». و در قنوت آن، این دعا خوانده می‌شود: «اللَّهُمَّ انّی اسأَلُکَ بِمَفاتِحِ الْغَیْبِ الَّتِی لا یَعْلَمُهَا الَّا انْتَ انْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [وَ انْ تَغْفِرَ لی ذُنُوبی «۱» اللّهُمَّ انْتَ وَلِیُّ نِعْمَتِی وَ القادِرُ عَلَی طَلِبَتِی تَعْلَمُ حاجَتِی فَأَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ لَمَّا قَضَیْتَهَا لِی».

روزه

مقدّمه

یکی دیگر از عبادتهای مهم و واجب که از برنامه‌های سالانه اسلام برای خودسازی انسانهاست «روزه» است، روزه آن است که

انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها، که شرح آنها خواهد آمد، بپرهیزد.

نیّت روزه

مسأله ۳۵۶- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود و این همان «نیّتِ» روزه است. مسأله ۳۵۷- انسان می‌توانـد در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیّت کنـد، و بهتر است که شب اوّل ماه هم، روزه همه ماه را نیّت کند. مسأله ۳۵۸- لازم نیست نیّت روزه را به زبان بگویـد، بلکه همین‌قـدر که برای انجام دسـتور خداونـد عالم از اذان صـبح، تا احکام جوانان، ص: ۱۱۶ مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است، کسی که برای خوردن سحری برمی‌خیزد حتماً نیّت روزه دارد.

مُبطلات روزه

مسأله ۳۵۹- چنان که گفتیم روزه دار باید از «اذان صـبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را عمداً انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود، به مجموعه این کارها «مُبطلاتِ روزه» گفته می‌شود، که از جمله آنهاست: * خوردن و آشامیدن. * رساندن غبـار غلیـظ به حلق. * فرو بردن تمـام سـر در آب. * قی کردن. بجز آنچه گفته شـد، کارهـای دیگری نیز روزه را باطل می‌کنـد که برای آشنایی با آنها، می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسأله ۱۳۳۵ مراجعه کنید.

احکام مُبطلات روزه

خوردن و آشامیدن

مسأله ۳۶۰- اگر روزه‌دار عمـداً چیزی بخورد یـا بیاشامـد، احکام جوانان، ص: ۱۱۷ روزه‌اش باطـل می‌شود. مسأله ۳۶۱- اگر کسی عمـداً چیزی را کـه لای دنـدانش مانـده است فرو برد، روزه‌اش باطـل می‌شـود. مسـأله ۳۶۲- فرو بردن آب دهـان، روزه را بـاطل نمی‌کنـد، هرچند زیاد باشد. مسأله ۳۶۳- اگر روزه‌دار به سـبب فراموشـی (نمی‌دانـد روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامـد، روزه‌اش باطـل نمی‌شود، خواه کم باشـد یـا زیاد. مسأله ۳۶۴- انسان نمی‌توانـد، بخاطر ضـعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضـعف او به قـدری است که معمولًا نمی‌شود آن را تحمّل کرد، یا سبب بیماری می‌شود، خوردن روزه اشکال ندارد.

تزریق آمپول

مسأله ۳۶۵- احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از تزریق آمپولهای غـذایی و تقویتی و دارویی پرهیز کند؛ ولی آمپولهایی که محل را سِر می‌کند (مانند آمپول برای کشیدن دندان) مانعی ندارد.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسأله ۳۶۶- اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برسانـد، بنابراحتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی، مانند خاک.

فرو بردن تمام سر در آب

مسأله ۳۶۷- اگر روزه‌دار عمداً تمام سـر را در آب فرو برد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود. ولی دوش حمام و مانند آن مانعی ندارد. مسأله ۳۶۸- اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتـد و تمام سـر او را آب بگیرد، یا فراموش کنـد که روزه است و سـر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود؛ ولی همین که فهمید باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

قی کردن

مسأله ۳۶۹- هرگاه روزه‌دار عمـداً قی کنـد، هرچنـد به سـبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. مسأله ۳۷۰- اگر روزه‌دار نداند روزه است، یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

قضا و کفّاره روزه

قضای روزه

مسأله ۳۷۱- اگر کسی روزه ماه رمضان را در وقت آن نگیرد، یا آن را باطل کند، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را بجا آورد.

کفّاره روزه

مسأله ۳۷۲- کسی که بدون عذر روزه خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را بجا آورده و یکی از این کارها را نیز انجـام دهـد (و ایـن همـان کفّـاره روزه اسـت): * آزاد کردن یـک برده. * دو مـاه روزه گرفتن که سـی و یـک روز آن بـاید پی‌درپی باشد. * سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مُدّ طعام «۱» به هر یک از آنها، کسـی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهـد، و چون امروز «برده» وجود ندارد، مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد، و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، باید یا ۱۸ روز روزه بگیرد و یا چنـد مُدّ طعام به فقیر بدهد و اگر نتواند، هرچند روز را که می‌تواند روزه بگیرد و اگر آن را هم احکام جوانان، ص: ۱۲۰ نتواند انجام دهد، باید استغفار کند.

احکام قضا و کفّاره روزه

مسأله ۳۷۳- لازم نیست قضـای روزه را فوراً بجـا آورد، ولی بنابراحتیـاط واجب بایـد تا رمضان سال بعـد، انجام دهـد. مسأله ۳۷۴- انسان نبایـد در بجا آوردن کفّاره کوتاهی کنـد، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهـد و اگر چنـد سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضـافه نمی‌شود. مسأله ۳۷۵- اگر به سـبب عـذری ماننـد سـفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عـذر او برطرف شود و تا رمضان سال بعـد، عمـداً قضای آن را بجا نیاورد، بایـد علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مُدّ طعام به فقیر بدهد. مسأله ۳۷۶- اگر به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای آن ساقط می‌شود، ولی باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

روزه مسافر

مسأله ۳۷۷- مسـافری که بایـد نمازهـای چهـار رکعتی را در سـفر، دو رکعت بخوانـد، نمی‌توانـد در آن سـفر روزه بگیرد؛ ولی باید احکام جوانان، ص: ۱۲۱ قضای آن را بجا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسـی که شـغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد. مسأله ۳۷۸- اگر روزه‌دار بعـد از ظهر مسافرت کنـد، باید روزه خود را تمام کند و صـحیح است. مسأله ۳۷۹- اگر

روزه‌دار پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخّص» برسد؛ یعنی به جایی برسد که صدای اذان شـهر را نشنود و اهل آنجا او را نبیننـد، بایـد روزه خود را رهـا کنـد و اگر پیش از آن روزه را باطـل کنـد، علاـوه بر قضا، بنابراحتیاط واجب، کفّاره هم دارد. مسأله ۳۸۰- مسافرت در ماه رمضان اشـکال نـدارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. مسأله ۳۸۱- اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده است، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، باید بعداً قضای آن را بجا آورد. مسأله ۳۸۲- اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد، و بعداً قضای آن را بجا می‌آورد.

زکاتِ فطره

مسأله ۳۸۳- کسانی که فقیر نیستند؛ یعنی هزینه سال خود را دارند، باید روز عید فطر مقداری از مال خود را به عنوان زکاتِ فطره به فقیر بدهند.

مقدار زکات فطره

مسأله ۳۸۴- برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یک صاع (تقریباً سه کیلو) می‌دهد.

جنس زکات فطره

مسأله ۳۸۵- جنس زکـات فطره، گنـدم، جو، خرمـا، کشـمش، برنـج، ذرّت وماننـد اینهـاست، و نیز اگر پول یکی از اینها داده شود کافی است. و احتیاط واجب آن است که از جنس یکی از موادّ غذایی باشد که در آن شهر معمول و متعارف است.

خُمس

اشاره

یکی از وظایف اجتماعی مسـلمانان، پرداختن «خُمس» است، که در برخی از چیزها، باید یک پنجم آنها را برای مصارف مشخّصـی به مجتهد جامع‌الشّرایط بپردازند. مسأله ۳۸۶- در هفت چیز، خُمس واجب است: * از درآمـد کسب و کار، آنچه از خرج سال زیاد بیایـد. * معـدن. * گنـج. * غنـایم جنگی. * جواهری که غوّاصـان بـا فرو رفتن در دریـا به دست می‌آورنـد. * مال حلال مخلوط به حرام. * زمینی که کافر ذمّی از مسلمان می‌خرد (بنابراحتیاط). مسأله ۳۸۷- پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفت‌گانه را داشته باشند باید به آن عمل کنند. احکام جوانان، ص: ۱۲۴ یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می‌گیرد «خُمسِ درآمـد کسب و کار است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیایـد». [اسـلام به کسب و کـار افراد احترام گذاشـته و تـأمین نیـاز خودشـان را به پرداخت خمس مقـدّم داشـته است، بنـابراین هر کس در طول سـال می‌توانـد تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمـدش تأمین کنـد و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، خمس بر او واجب نیست، ولی پس از آن‌که بطور متعارف و در حـدّ نیاز خود زنـدگی را گذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، یک پنجم آنچه را که اضافه آمده است باید به مجتهد جامع‌الشّرایط برای مصارف اجتماعی مهمّی بپردازد و چهار پنجم آن را می‌تواند پس‌انداز کند.]

احکام خمس

مسأله ۳۸۸- انسان تا خمس مال خود را ندهد نمی‌تواند در آن تصرّف کند، یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و در چنان لباسی نمی‌توانـد نماز بخوانـد و با پولی که خمس آن را نـداده نمی‌تواند چیزی بخرد. مسأله ۳۸۹- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش احکام جوانان، ص: ۱۲۵ خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. مسأله ۳۹۰- اگر کودکِ غیربالغ سرمایه‌ای داشته باشـد و از آن سودی به دست آیـد، و تا زمان بلوغ باقی بماند بنابراحتیاط واجب باید پس از بلوغ، خودش خمس آن را بدهد و بر ولیّ او واجب نیست که قبل از بلوغ او بدهد.

مصرف خمس

مسأله ۳۹۱- خمس مال را بایـد دو قسـمت کرد، نصف آن که سـهم امام زمان (عجّل‌اللّه تعالی فرجه الشّریف) است باید به مجتهد جامع‌الشّرایط یا نماینده او پرداخت شود و نصف دیگر را به سادات نیازمند بدهند.

زکات

مقدّمه

یکی دیگر از وظایف مهمّ اجتماعی مسلمانان، پرداخت زکات است. درباره اهمّیّت زکات همین بس که در قرآن مجیـد بارها پس از نماز آمـده و نشانه ایمان و عامل رسـتگاری شـمرده شده است. در روایات متعدّدی که از معصومین علیهم السلام نقل شده آمده است: «کسی که از پرداخت زکات جلوگیری کند، از دین خارج است!». زکات هم مانند خمس موارد معیّنی دارد، یک قسم از آن زکات بـدن و حیات انسان است که هر سال یک مرتبه در روز عیـد فطر پرداخت می‌شود و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت آن را (از نظر مالی) دارنـد واجب است، مسائل این نوع از زکات در پایان بحث روزه گذشت. قسم دیگر، زکات اموال است و تنها نُه چیز است که زکـات احکام جوانان، ص: ۱۲۷ واجب دارد: مسأله ۳۹۲- اموالی که پرداخت زکـات آنها واجب می‌شود عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشـمش، شتر، گاو، گوسـفند، طلا و نقره سـکّه‌دار، البته در بسـیاری از اموال دیگر نیز دسـتور پرداخت زکات به صورت مستحب آمده است. مسأله ۳۹۳- زکات در صورتی واجب می‌شود که مورد زکات به حدّ نصاب برسد که نصاب هریک و مقـدار زکات آنها در جـدول زیر آمـده است. ردیف‌نوع مال‌نصاب‌مقدار زکات ۴۳۲۱ گندم‌جوخرماکشمش ۲۰۷/ ۸۴۷ کیلوگرم* ۱۱۰- در صورتی که با آب بارانو آب رودخانه آبیاری شده است.* ۱۲۰- در صورتی که با آب دستی ودلو و موتور پمپ آبیاری شده است.* ۳۴۰- در صورتی که با هردو، آبیاری شده است. ۵ شتراوّلین‌نصاب ۵ شترتا ۲۵ شتر ۲۶ شتریک گوسفندهر ۵ شتر یک گوسـفندیک شتر حدّاقل یکساله احکام جوانان، ص: ۱۲۸ ۶ گاو ۳۰ گاویک گوساله یکساله ۷ گوسفند ۴۰ گوسفندیک گوسفند ۸ طلا ۱۵ مثقال ۹۱۴۰ نقره ۱۰۵ مثقال ۱۴۰ یادآوری: شتر، گاو و گوسفند و طلا و نقره، نصابهای دیگری نیز دارد که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، بحث زکات مراجعه کنید.

احکام زکات

مسأله ۳۹۴- احتیاط واجب آن است که زکات گاو و گوسـفند و شتر را اگر به حدّ نصاب رسیـد بدهند، خواه از علف بیابان خورده باشـد، یا از علف دستی. مسأله ۳۹۵- زکـات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سـکّه‌ای باشـد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور اسـتفاده می‌کنند، زکات ندارد. مسأله ۳۹۶- پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می‌پردازند با قصد قربت باشد.

مصرف زکات

مسأله ۳۹۷- مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار است: فقیر و مسکین. بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد. غیرمسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام مایل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن مسجد و کتابخانه و کارهای فرهنگی و تبلیغی و تقویت رزمندگان اسلام. «۱»

احکام خرید و فروش

اشاره

مسأله ۳۹۸- یاد گرفتن احکام معامله، به مقداری که مورد احتیاج می‌باشد، واجب است. مسأله ۳۹۹- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله دیگر برای استفاده حرام، حرام است. مسأله ۴۰۰- خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتابهای گمراه کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد، مثلًا برای پاسخ دادن به اشکالهای آن، البتّه برای کسانی که قدرت این کار را دارند. مسأله ۴۰۱- فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است؛ مثلًا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد (این عمل را غشّ در معامله می‌گویند). مسأله ۴۰۲- در معامله باید خصوصیّات جنسی را که خرید و فروش می‌کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیّاتی که گفتن و احکام جوانان، ص: ۱۳۱ نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست. (مثلًا لازم نیست بگوید این گندم مال کدام مزرعه است). مسأله ۴۰۳- خرید و فروش دو کالای همجنس- که با وزن یا پیمانه می‌فروشند- به زیادتر «رِبا» و حرام است؛ مثلًا یک تُن گندم بدهد و یک تُن و دویست کیلوگرم بگیرد. (هرچند گندم اوّل مرغوبتر باشد). مسأله ۴۰۴- مستحبّ است فروشنده در قیمت بین مشتریها فرق نگذارد و در قیمت جنس سخت‌گیری نکند و سود عادلانه‌ای برای خود در نظر بگیرد و درخواست بهم زدن معامله را از کسی که پشیمان است بپذیرد. مسأله ۴۰۵- قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.

بهم زدن معامله (فسخ)

مسأله ۴۰۶- در برخی موارد فروشنده یا خریدار می‌توانند معامله را بهم بزنند که از جمله آنهاست: * خریدار یا فروشنده گول خورده و مغبون شده باشد. * در هنگام معامله قرارداد کرده‌اند که تا مدّت معیّنی، هردو احکام جوانان، ص: ۱۳۲ یا یکی از آنها بتوانند معامله را بهم بزنند؛ مثلًا هنگام خرید و فروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می‌تواند پس بدهد. * خریدار و فروشنده از محلّ معامله متفرّق نشده باشند، مثلًا از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آن‌که آن محل را ترک کند می‌تواند آن را پس بدهد. * کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد. * فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده، خصوصیّاتی را بیان کرده و بعداً معلوم شود آن‌گونه نبوده است؛ مثلًا بگوید این دفتر ۲۰۰ برگ است بعداً معلوم شود کمتر است. مسأله ۴۰۷- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را بهم نزند، دیگر حقّ بهم زدن معامله را ندارد. (بنابر احتیاط) ولی مقداری تأخیر برای فکر کردن مانعی ندارد.

قَرض

اشاره

قرض دادن از کارهای مستحبّی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در دنیا و در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

اقسام قرض

۱. مدّت‌دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخّص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد. ۲. بدون مدّت: قرضی که زمان پرداخت آن مشخّص نشده است.

احکام قرض

مسأله ۴۰۸- اگر قرض مدّت‌دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن مدّت، طلب خود را درخواست کند. مسأله ۴۰۹- اگر قرض مدّت‌دار نباشد، طلبکار هر وقت احکام جوانان، ص: ۱۳۴ بخواهد می‌تواند طلب خود را درخواست کند. ولی مهلت دادن به کسی که برای پرداخت بدهی خود در زحمت است بسیار خوب است. مسأله ۴۱۰- اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است. مسأله ۴۱۱- اگر قرض‌دهنده شرط کند که پس از مدّتی، مثلًا یک سالِ دیگر، زیادتر بگیرد، و یا کاری برای او انجام دهد، رِبا و حرام است؛ مثلًا یک‌صدهزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یک‌صد و بیست هزار تومان بگیرد، یا لباسی برای وی بدوزد، یا او هم در آینده قرض دهد. مسأله ۴۱۲- اگر قرض‌دهنده شرط نکرده باشد که زیادتر بگیرد، ولی خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحبّ است.

امانتداری

مقدّمه

اگر انسان مالِ خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.

احکام امانتداری

مسأله ۴۱۳- کسی که توانایی ندارد از امانت نگهداری کند، نباید چیزی را به امانت قبول کند. مسأله ۴۱۴- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هروقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند (به شرط این که امانت به خطر نیفتد). مسأله ۴۱۵- کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیّه کند؛ مثلًا اگر امانت، پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد. احکام جوانان، ص: ۱۳۶ مسأله ۴۱۶- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است. مسأله ۴۱۷- اگر امانت مردم از بین برود دو حالت دارد: الف) اگر امانتدار در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد. ب) اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بطور اتّفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلًا سیل برده، یا سارقی آن را از محلّ امن و امان دزدیده است، در این صورت امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد. مسأله ۴۱۸- امانتدار نمی‌تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازه صاحب آن، و اگر صاحب امانت بمیرد باید آن را به ورثه او بدهد.

عاریه

مقدّمه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد؛ مثل آن که دوچرخه خود را به کسی می‌دهد تا منزل برود و برگردد، یا کتابی را به رفیق خود برای مطالعه بدهد. مسأله ۴۱۹- کسی که چیزی را عاریه داده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بدهد. مسأله ۴۲۰- اگر مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود: اگر در نگهداری از آن کوتاهی، و یا در استفاده آن زیاده‌روی نکرده است، ضامن نیست. ولی اگر در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد. مسأله ۴۲۱- اگر قبلًا شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه‌کننده ضامن است، باید خسارت را در هر حال بپردازد.

اشیای گمشده

اشاره

مسأله ۴۲۲- اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی برندارد، وظیفه خاصّی بر عهده‌اش نمی‌آید. مسأله ۴۲۳- اگر چیزی پیدا کند و بردارد، احکام خاصّی به این شرح دارد: اگر قیمت آن کمتر از ۶/ ۱۲ نخود نقره سکّه‌دار «۱» است و صاحب آن معلوم نباشد می‌تواند برای خودش بردارد؛ ولی اگر صاحبش پیدا شد بنابر احتیاط واجب باید عوض آن را به او بدهد. اگر قیمت آن بیشتر از ۶/ ۱۲ نخود نقره سکّه‌دار است؛ ولی نشانه‌ای دارد که می‌توان با آن صاحبش را پیدا کرد باید تا یک هفته هر روز و بعد از آن هفته‌ای یک‌بار اعلام کند و چنانچه تا یک‌سال اعلام کرد و صاحبش پیدا نشد می‌تواند برای خودش احکام جوانان، ص: ۱۳۹ بردارد به قصد آن‌که: اگر صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به شخص نیازمندی صدقه بدهد. مسأله ۴۲۴- اگر می‌داند، اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیدا شدن صاحبش ناامید شده است، اعلام لازم نیست، و آن را به شخص نیازمندی بدهد.

عوض شدن کفش

مسأله ۴۲۵- اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می‌داند کفشی که مانده، مالِ کسی است که کفش او را برده است، و دسترسی به او ندارد، می‌تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، و از پیدا شدن صاحبش ناامید شود، باید مبلغ اضافی را به شخص فقیری بدهد. مسأله ۴۲۶- اگر احتمال می‌دهد، کفشی که مانده، مالِ کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی مأیوس شود، قیمت آن یا خودش را، به شخص نیازمندی می‌دهد.

غَصب

مقدّمه

غَصب آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلّط شود. غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهنده آن در قیامت به عذاب سخت گرفتار می‌شود. و در این جهان نیز عواقب دردناکی دارد. مسأله ۴۲۷- اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آن‌که کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد. مسأله ۴۲۸- اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید آن را برگرداند و تفاوت قیمت آن را هم بدهد. مسأله ۴۲۹- اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اوّلش بهتر شده باشد، مثل اینکه دوچرخه را تعمیر کرده، باید آن را به همان صورت، به او بدهد، و نمی‌تواند برای احکام جوانان، ص: ۱۴۱ زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اوّلش بشود، به علاوه باید معادل کرایه آن را در مدّتی که غصب کرده، بپردازد.

خوردن و آشامیدن

مقدّمه

خداوند بزرگ برای استفاده انسانها، طبیعتِ زیبا و تمام حیوانات و میوه‌ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است، تا از آن برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بهره گیرند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامت جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرّراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطه با خوراکیها و آشامیدنیهاست آشنا می‌شوید: مسأله ۴۳۰- خوردن چیزی که برای انسان ضرر مهمّی دارد حرام است. مسأله ۴۳۱- خوردن و آشامیدنِ چیز نجس حرام است. مسأله ۴۳۲- خوردنِ گِل حرام است. مسأله ۴۳۳- خوردن کمی از تربت سیّدالشّهدا علیه السلام برای شفا از بیماری اشکال ندارد (می‌توانند این مقدار کم را در آب حل کنند احکام جوانان، ص: ۱۴۳ و عدّه‌ای بخورند). مسأله ۴۳۴- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که به خاطر گرسنگی یا تشنگی جانش در خطر است آب و غذا داده و او را از مرگ نجات دهد.

آداب غذا خوردن

مسأله ۴۳۵- این کارها در رابطه با غذا خوردن مستحب است: ۱. دستها را قبل و بعد از غذا خوردن بشوید. ۲. در اوّل غذا «بِسمِاللَّه» و در پایان «الحَمدُ لِلَّه» بگوید. ۳. با دست راست غذا بخورد. ۴. لقمه را کوچک بردارد. ۵. غذا را خوب بجَوَد. ۶. میوه را پیش از خوردن با آب بشوید. ۷. اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد. ۸. میزبان پیش از همه شروع به خوردن کند و بعد از همه دست بکشد. (تا میهمانها خجالت نکشند). مسأله ۴۳۶- این کارها در رابطه با غذا خوردن مکروه است: ۱. در حال سیری غذا خوردن. احکام جوانان، ص: ۱۴۴ ۲. پرخوری (زیاد غذا خوردن). ۳. نگاه کردن به دیگران هنگام غذا خوردن. ۴. خوردن غذای داغ. ۵. فوت کردن به غذایی که می‌خورد. ۶. پاره کردن نان با کارد. ۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا. ۸. دور انداختن بقیّه میوه، پیش از آن‌که کاملًا آن را بخورد.

آدابِ آب نوشیدن

مسأله ۴۳۷- در نوشیدن آب رعایت این امور سزاوار است: ۱. در روز، ایستاده آب بخورد. ۲. پیش از آشامیدن آب «بِسمِ اللَّه» و بعد از آن «الحَمدُ للّه» بگوید. ۳. به سه نفس آب بیاشامد. (با یک نفس آب نخورد). ۴. پس از آشامیدن آب، بر حضرت امام حسین ۷ و خاندان و یاران او سلام بفرستد و قاتلان ایشان را لعنت کند. مسأله ۴۳۸- در نوشیدن آب این امور سزاوار نیست: ۱. زیاد

آشامیدن. ۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب. احکام جوانان، ص: ۱۴۵ ۳. با دست چپ آب نوشیدن. ۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن. ۵. آب مشکوک یا آلوده نوشیدن. ۶. از کوزه شکسته و ظرف آلوده آب خوردن.

احکام سر بریدن حیوان

اشاره

مسأله ۴۳۹- اگر چهار رگ بزرگ گردن حیوان حلال‌گوشت را از پایین برآمدگی زیر گلو با شرایطی که خواهد آمد، بطور کامل ببرّند، گوشت آن پاک و حلال خواهد بود.

شرایط سر بریدن حیوان

مسأله ۴۴۰- سر بریدن حیوان پنج شرط دارد: * کسی که سر حیوان را می‌برد، مسلمان باشد. * سر حیوان را با ابزار فلزّی ببرند. * هنگام بریدن، صورت و دست و پا و شکم حیوان رو به قبله باشد. * هنگام سر بریدن حیوان، نام خدا را ببرد، و اگر بگوید «بسم‌اللّه» کافی است. * حیوان پس از سر بریدن حرکتی بکند که معلوم شود موقع سر بریدن زنده بوده است.

شکار با اسلحه

مسأله ۴۴۱- اگر حیوان حلال‌گوشت وحشی را با شرایطی که بیان می‌شود، با اسلحه شکار کنند پاک و حلال خواهد بود: * اسلحه شکار، مثل کارد و شمشیر برّنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد یا مانند گلوله‌های ساچمه‌ای باشد که بدن حیوان را پاره کند و خون جاری شود. * کسی که حیوان را شکار می‌کند، مسلمان باشد. * اسلحه را برای شکار به کار ببرد، پس اگر جای دیگر را نشانه بگیرد و بطور اتّفاقی به حیوان بخورد، حلال نیست. * هنگام بکار بردن اسلحه (مثلًا هنگام رها کردن تیر) نام خدا را ببرد. * پس از زدن حیوان، با شتاب به سوی حیوان برود، و هنگامی به حیوان برسد، که مرده باشد و یا به مقدار سر بریدن آن وقت نباشد، بنابراین اگر هنوز نمرده، و وقت برای سر بریدن آن باشد ولی سر آن را نبرّد، تا بمیرد حرام است.

صید ماهی

مسأله ۴۴۲- اگر ماهی پولک‌دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب یا درون دام بمیرد، پاک و خوردن آن حلال است، ولی اگر در احکام جوانان، ص: ۱۴۸ آب و خارج از دام بمیرد، گرچه بدنش پاک است ولی خوردن آن حرام می‌باشد. مسأله ۴۴۳- ماهیهایی که پولک ندارند، حرام است؛ ولی میگو حلال است. مسأله ۴۴۴- کسی که ماهی را صید می‌کند، لازم نیست مسلمان باشد، و لازم نیست نام خدا را ببرد.

احکام ازدواج

نگاه کردن

یکی از نعمت‌های خداداد، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقّی خود و همنوعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، اشکال ندارد، ولی نگاه به دیگران، احکام خاصّی

دارد که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

مَحْرَم و نامَحرم

مسأله ۴۴۵- مَحرم کسی است که ازدواج با او حرام است و نگاه به او اشکالی ندارد. مسأله ۴۴۶- افراد زیر به خاطر رابطه نَسَبی بر پسرها و مردان محرمند: * مادر و مادربزرگ. * دختر و دختر فرزند (نوه). احکام جوانان، ص: ۱۵۰ * خواهر. * خواهر زاده (دختر خواهر). * برادر زاده (دختر برادر). * عمّه (عمّه خودش و عمّه پدر و مادرش). * خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش). و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج محرم می‌شوند، از جمله آنهاست: * همسر * مادرِ زن و مادربزرگ او. * زنِ پدر (نامادری). * زنِ پسر (عروس) زن برادر و خواهر زن نامحرمند؛ همچنین زن‌عمو و زن‌دایی. مسأله ۴۴۷- افراد زیر به خاطر رابطه نَسَبی بر دخترها و زنان محرمند: * پدر و پدربزرگ. * پسر و پسرِ فرزند (نَوه). * برادر * خواهرزاده (پسر خواهر). احکام جوانان، ص: ۱۵۱ * برادرزاده (پسر برادر). * عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش). * دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش). و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و بانوان محرم می‌شوند، از جمله آنهاست: * شوهر. * پدر شوهر و پدربزرگ شوهر. * شوهر دختر (داماد). شوهر خواهر و برادرشوهر محرم نیستند، همچنین شوهر عمّه و شوهر خاله. بجز افرادی که بیان شد ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با شرایط خاصّی بر یکدیگر محرم شوند که در کتابهای مفصّل فقهی آمده است. مسأله ۴۴۸- اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچّه‌ای را شیر دهد، آن بچّه بر آن زن و افراد دیگر محرم می‌شود که جهت آشنایی بیشتر می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسأله ۲۱۰۸ مراجعه کنید.

نگاه به دیگران

مسأله ۴۴۹- بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذّت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس باشد مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیرمحارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد. مسأله ۴۵۰- پسرها و مردان می‌توانند به آن مقدار از بدن زنانی که محرم هستند نگاه کنند که معمولًا آن را در برابر محرم نمی‌پوشانند. مسأله ۴۵۱- پسرها و مردان نمی‌توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند، ولی نگاه کردن به دستها تا مچ و صورت به مقدار گردی صورت، اگر به قصد لذّت بردن نباشد، اشکال ندارد. مسأله ۴۵۲- دخترها و بانوان می‌توانند بدون قصد لذّت به سر و صورت و گردن مردنامحرم به مقداری که بطور متعارف نمی‌پوشانند، نگاه کنند.

ازدواج

مسأله ۴۵۳- کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ احکام جوانان، ص: ۱۵۳ و آلوده به بی‌عفّتی می‌شود واجب است ازدواج کند. مسأله ۴۵۴- در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه‌داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد، ولی پسر و دختری که قصد ازدواج دارند می‌توانند به مقداری که برای شناخت لازم است به یکدیگر نگاه کنند (بدون قصد لذّت). مسأله ۴۵۵- بهتر است صیغه عقد را فرد عالِمی بخواند که از تمام شرایط آن آگاه است.

احکام سلام کردن

اشاره

مسأله ۴۵۶- سـلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب سلام واجب است. مسأله ۴۵۷- سـلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می‌باشـد، مکروه است. مسأله ۴۵۸- اگر کسـی به نمازگزار سـلام کنـد بایـد همانطور که او سـلام کرده جواب دهـد؛ مثلًا اگر گفته: «سلامٌ علیکم» در جواب بگوید: «سلامٌ علیکم» و اگر گفت: «سـلام»، بگوید: «سلام». مسأله ۴۵۹- کسـی که نماز می‌خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند. مسأله ۴۶۰- سلام را باید فوراً جواب داد. مسأله ۴۶۱- اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر کدام واجب است، جواب سلام دیگری را بدهد. مسأله ۴۶۲- جواب سلام بچّه نیز واجب است و اگر غیر احکام جوانان، ص: ۱۵۵ مسلمان سلام کند در جواب فقط می گوید: «سلام».

آداب سلام کردن

مسأله ۴۶۳- مسـتحب است: سواره به پیاده و ایسـتاده به نشسـته و گروه انـدک به گروه زیاد و کوچکتر به بزرگتر سـلام کند. مسأله ۴۶۴- مسـتحب است، در غیر نماز، جواب سـلام را بهتر از آن بدهد، مثلًا اگر کسی بگوید: «سلامٌ علیکم» مستحب است در جوابش بگوید: «سلامٌ علیکم و رحمهُاللّه». مسأله ۴۶۵- سلام کردن مرد به زن جوان نامحرم مکروه است. احکام جوانان، ص: ۱۵۶

احکام قرآن

اشاره

مسأله ۴۶۶- قرآن همیشه بایـد پاک و تمیز باشـد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود بایـد فوراً آن را به طرز صحیحی آب بکشند. مسأله ۴۶۷- اگر جلد قرآن نجس شود و بی‌احترامی به قرآن باشد، باید آن را هم آب بکشند.

لَمس کردن خطوط قرآن

مسأله ۴۶۸- دست زدن، بوسیدن و رسانـدن جایی از بـدن به نوشـته قرآن، برای کسـی که وضو نـدارد حرام است. مسأله ۴۶۹- در لمس نوشـته قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات، بلکه حروف و حتّی حرکاتِ آن نیست. مسأله ۴۷۰- در چیزی که قرآن بر آن نوشته شـده است، بین کاغـذ و زمین ودیوار و پـارچه فرقی نیست. مسأله ۴۷۱- در نوشـته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشـته شـده احکام جوانان، ص: ۱۵۷ باشـد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر. مسأله ۴۷۲- اگر نوشـته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن حرام است. پس اگر آیه‌ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شـده باشد، بازهم لمس آن بدون وضو حرام است. مسأله ۴۷۳- موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی‌آید و حرام نمی‌باشد: * لمس آن از پشت شـیشه، یا پلاستیک. * لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته‌ها. * لمس ترجمه قرآن، به هر لغتی باشـد، مگر اسم خداونـد که به هر لغتی باشـد، لمس آن برای کسـی که وضو نـدارد حرام است،ماننـد کلمه «خدا». مسأله ۴۷۴- کلمـاتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است ماننـد «مؤمن»، «الّـذین» اگر نویسـنده به قصـد قرآن نوشته باشد لمس آن بدون وضو حرام است. (بنابر احتیاط). مسأله ۴۷۵- لمس خطوط قرآن بر جُنُب، حرام است. مسأله ۴۷۶- انسان جُنُب نباید آیات سجده واجب قرآن را بخواند، (تفصیل آن در مسأله ۱۲۱ گذشت). احکام جوانان، ص: ۱۵۸

قسم خوردن

مسأله ۴۷۷- اگر کسـی به یکی از اسامی خداونـد عالَم ماننـد «خـدا» و «اللّه» قسم بخورد که کاری را انجام دهـد، یا ترک کند، مثلًا سوگنـد بخورد که دو رکعت نماز بخوانـد، واجب است به آن عمل کند. مسأله ۴۷۸- اگر عمـداً به سوگندی که خورده است عمل

نکند، باید کفّاره بدهد و کفّاره آن یکی از دو چیز است: * سیر کردن ده فقیر. * پوشاندن ده فقیر. و اگر هیچ‌کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد. مسأله ۴۷۹- کسی که برای اثبات چیزی قسم می‌خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است. ولی کفّاره ندارد، کفّاره در جایی است که چیزی را بر عهده بگیرد و سپس انجام ندهد.

مسائل متفرّقه

مسأله ۴۸۰- اگر انسان به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند، بطوری که صورت او سرخ شود، باید ۵/ ۱ مثقال شرعی طلای سکّه‌دار، بدهد و اگر کبود شود، سه مثقال، و اگر سیاه شود شش مثقال، و هر مثقال شرعی ۱۸ نخود است. (۳۴ مثقال معمولی). مسأله ۴۸۱- اگر جای دیگر (غیر از صورت) بدنِ کسی را به واسطه زدن، سرخ یا کبود یا سیاه کند، باید نصف آنچه در مسأله قبل گفته شد بدهد. مسأله ۴۸۲- کشتن حیوانی که اذیّت می‌رساند و مال کسی نیست؛ مانند مار و عقرب، اشکال ندارد. مسأله ۴۸۳- اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند و صاحبش نیاید آن را ببرد، چنانچه صنعتگر جستجو کند و از پیدا کردن صاحب آن ناامید شود، باید بنا بر احتیاط با اجازه حاکم شرع آن را به نیّت صاحبش به شخص نیازمندی صدقه بدهد. احکام جوانان، ص: ۱۶۰ مسأله ۴۸۴- دیواری که مال دو نفر است؛ مانند دیوار مشترک بین دو منزل، هیچ‌کدام از آنان حق ندارد بدون اجازه شریک دیگر، آن را خراب کند، یا سر تیرآهن و مانند آن را بر دیوار بگذارد یا به دیوار میخ بکوبد، ولی کارهایی که معلوم است شریک راضی است؛ مانند تکیه دادن به دیوار و لباس انداختن روی آن اشکال ندارد. مسأله ۴۸۵- اگر ریشه درخت همسایه در مِلک [زمین، باغ، خانه و ...] انسان بیاید، صاحب ملک می‌تواند از صاحب درخت بخواهد که ریشه درخت را برگرداند، یا قطع کند و در صورتی که صاحب درخت این کار را نکرد خودش می‌تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری از ریشه درخت به او برسد، می‌تواند از صاحب درخت بگیرد. مسأله ۴۸۶- درخت میوه‌ای که شاخه آن از دیوار باغ بیرون آمده، اگر انسان نداند صاحبش راضی است یا نه، نمی‌تواند از میوه آن بچیند، و اگر میوه آن روی زمین هم ریخته باشد نمی‌تواند آن را بردارد، مگر آن باغ در کنار راه باشد، که عابرین- با شرایطی که در کتابهای مفصّل فقهی آمده است- می‌توانند از آن استفاده کنند. مسأله ۴۸۷- جایزه‌ای را که بانک به بعضی از کسانی که در احکام جوانان، ص: ۱۶۱ صندوق پس‌انداز پول می‌گذارند می‌دهد، در صورتی که بانک برای تشویق مردم از خودش بدهد حلال است. مسأله ۴۸۸- احتیاط در ترک تراشیدن ریش است مسأله ۴۸۹- استمنا کردن حرام است، و این کار زیانهای زیاد و غیرقابل انکاری دارد. مسأله ۴۹۰- کلیّه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود. مسأله ۴۹۱- اگر شطرنج از صورت قمار خارج شده باشد و نزد عامّه مردم جزء ورزش محسوب شود مانعی ندارد. ولی بازی با پاسور بدون برد و باخت نیز اشکال دارد. مسأله ۴۹۲- کف زدن اشکال ندارد؛ ولی در مساجد و حسینیه‌ها ترک شود. مسأله ۴۹۳- تنها رقص زن برای شوهرش جایز است. مسأله ۴۹۴- سینه زدن در کوچه و خیابان با اینکه زنها می‌بینند، در صورتی که که سینه‌زن، پیراهن پوشیده باشد، اشکال ندارد، ولی اگر برهنه شود جایز نیست. مسأله ۴۹۵- نشانه بلوغ یکی از سه‌چیز است: «اوّل» پانزده سال قمری تمام در پسران، و نُه سال قمری تمام در دختران. احکام جوانان، ص: ۱۶۲ «دوم» بیرون آمدن منی. «سوم» روییدن موی درشت بالای عورت. مسأله ۴۹۶- هرگاه دختران پس از سن بلوغ قدرت انجام روزه را نداشته باشند، بر آن‌ها واجب نیست و بجای هر روز روزه، کفّاره مدّ طعام می‌دهند. مسأله ۴۹۷- ساختن و خرید و فروش مجسّمه اشکال دارد، ولی اسباب‌بازی بچّه‌ها اشکالی ندارد. مسأله ۴۹۸- بازی‌ها و مسابقاتی که در آن برد و باخت مالی باشد، حرام است. مسأله ۴۹۹- تنبیه بدنی دانش‌آموزان جایز نیست، مگر در شرایط خاصّی. مسأله ۵۰۰- تقلّب در امتحانات جایز نیست. وَ آخِرُ دَعْوانا انِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ پایان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی

این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹